هو الفتّاح العليم بسم اللهِ الرّحمنِ الرّحيم

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلوة و السّلام على اشرف الانبيآء و المرسلين و على وصيّه على بن ابي طالب و الأئمّة من ذرّيّته اجمعين و بعد اين خاطی و عاصی الموسوم به محمّد بن علی اکبر عطّاری تبریزی بعد از فراغت کتاب گنجینهٔ عطّار و کشکول عطّاری و کتاب شرح جنّة الواقیه مرحوم میرداماد علیه الرّحمه خواستم بحول و قوّهٔ الهی جلّت عظمته و توجّهات ائمّهٔ اطهار علیهم السّلام برای اشخاص صاحب ذوق و صفا در رشتهٔ علم شریف جفر آنچه از کتاب های خطّی قدیم مُطالعه و استفاده کردیده بر طبق اخلاص جهة طالبان این طریق تقدیم اخوان الصّفاء کردد و اگر خطائی و یا سهوی و یا اشتباهی مشاهده کردد عفو و اغماض فرمایند و در مواقع مخصوص از دعای خیر و طلب مغفرت مضایقه ننمایند من الله التّوفیق و علیه التّکلان بتاریخ بیست و کثیر البرکات هیجدهم شهر ذی الحجّه الحرام هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری عید الاعیاد غدیر خم مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السّلام

(سنه ۱۳۹۹)

اسامی	د	ا	ل	ع	ی	ن	ق	ا	ف	غ	ی	ن	ا	ل	ف	ل	ا	م	ب	ا	ی	ا
نظیره	صب	بس	ض	پ	خ	غ	ج	بس	ج	پ	خ	غ	بس	ض	ج	ض	س	ظ	ع	س	خ	سر
مستحصل	س	ق	ج	ه	ب	ع	ق	ث	ر	ن	ر	ا	ج	ل	ث	ر	ش	ج	ن	ا	ط	ع
عزیزیه	ع	د	د	و	ا	س	ر	خ	ح	ل	ح	ن	د	ل	خ	ه	ث	د	م	ن	ک	س
صدر مؤخر	س	ع	ی	ر	ن	ز	م	و	د	ا	ت	س	ه	ر	خ	خ	ن	ج	د	ل	ن	ح
تکسیر	ح	س	ن	ع	ل	ی	د	ر	ج	ن	ک	ر	خ	م	خ	د	ر	د	ه	ا	س	ت

(جواب) حسنعلی در جنگ زخم خورده است)

طریقه در علم جفر ÷ تمام علماء این فن را از جاهل و نااهل پوشیده داشته‌اند ولی کاتب الحروف دیدم من هم بپوشیده که دارم صحیح نیست بلکه اشارهٔ در این قاعده داده شود تا قارئین در حد کمال خودش استفادهٔ از این بهره ببرد ———

سؤال فوق – احوال حسنعلی در جنگ سیال کوت چگونه بود ———

اح دال ح س ن ع ل ی د ر ج ن ک س ی ال ک و ت ح ک و ن ه ب و د

جمع اعداد ۱۱۷۴ حروف ۲۱ نقاط ۱۲ حروف ملفوظی اینست

دال ع ی ن ق اف غ ی ن ال ف لام با ی ا – حروف ۲۲ والسلام

حضرت امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب شمس المشارق والمغارب اسد الله الغالب مطلوب کلّ طالب و مظهر العجائب علیه السّلام میفرماید که عامل این علم را لازم است که همیشه با وضو باشد و از کلام کذب و فحش زبان خود را نگاه دارد تا از این علم نفع یابد و هر صفحهٔ کتاب که از جفر جامع امتزاج کند اگر صفحات کتاب مدروج در هر خانهٔ که باشد پس اهل آن خانه از مرگ مفاجات و طاعون و بلای آسمانی محفوظ خواهند ماند و در آن خانه دزدی نخواهد شد و صاحب آن خانه صاحب عزّت و موقّر بود و در هر جا که این کتاب باشد آن شخص همیشه بر مطالب دلی خود خواهد رسید و هر کسی این کتاب را در نزد خود نگاه دارد آن شخص بمراد خواهد رسید و این از مجرّبات است و هیچ شکّی و شبهه ندارد و هر کسی که ۲۸ جزو جفر جامع را بنویسد و کتاب درست کرده در خانهٔ خود نگاه دارد هرگز زوال و نقصان بدولت و حشمت آن خانه نرسد و هر که مطالعه صفحات کتاب جفر جامع را هر روز کند ملازمت او در خدمت حضرت صاحب الزمان علیه و علی آبائه الطاهرین خواهد شد و ائمهٔ معصومین و اولیاء الله همیشه هر روز مطالعهٔ این کتاب را میکردند و هر که برای هر امری هر روز مطالعهٔ این کتاب کند از اول ورق تا آخر ورق بعد از نماز فجر و ایت اسم را هر روز تا چهل روز بخواند و نظر خود را براو افکند پس چهل روز تمام نشده مطلب او برآید از پردهٔ غیب و آن اسم اینست

یا رَحمٰنَ کُلِّ شَیْءٍ وَ رٰاحِمَهُ وَ رٰازِقَهُ یا رَحمٰنُ)

علماء جفر جواب را از جفر جامع استخراج میکنند و آنرا جفر کبیر میگویند و هر که صاحب فهم است آنرا خوب خواهد فهمید بعضی از اساتید میفرمایند که استخراج از جفر جامع تحریر کردن ابجد یعنی از دو چهار ابجد است از ۲۸ حروف ۲۸ جزو بر حروف ابجد مقرر کرده اند و هر حرفی را بیك جزوئی منسوب است و هر جزو او ۲۸ صفحه است و در هر صفحه ۲۸ سطر و در هر سطری ۲۸ خانه است و در هر خانه چهار حروف دارد و تمام صفحات ۷۸۴ خانه حروف دارد و تمام صفحات ۷۸۴ خانه حرف دارد و تقسیم ۲۸ جزو بر سبعه سیاره است و هر سیاره از هر اقلیمی تعلق دارد و از قیاس یك جزو یك اقلیم و هر صفحه یك شهر و هر یك سطر یك محله است و هر خانه یك مکانی است و در صفحه اول خانه اول جفر جامع ۴ الف میباشد باین ترتیب ا ا ا ا و خانه دوم از سطر اول جزو اول در صفحه اول سه الف و یك ب میباشد باین ترتیب ا ا ا ب و خانه سوم از سطر اول جزو اول سه الف و یك جیم میباشد ا ا ا ج و خانه چهارم از سطر اول جزو اول سه الف و یك دال میباشد ا ا ا د و قس علیهذا تا آخر خانه چهار غین دارد باین نحو غ غ غ غ و اگر بخواهد که تمام جفر جامع را بنویسد با احتیاط تمام بنویسد که در حروف غلطی نباشد و اگر یك حرفی از حروف غلط باشد تمام غلط میباشد

و این علم تمام نخواهد شد مگر بحضور قلب و متوجه تمام بنویسد و دل خود را پریشان نکند و طریق نوشتن اینست که حرف اول علامت جزو ۲ علامت جزو ۲ علامت صفحه ۳ علامت صفحه ۴ علامت خانه است و در استخراج مطلب جزئی و کلی - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید که احوال را استخراج کند و معلوم کند و ببیند که در هر صفحه که احوال ماضی باشد - حرف اول ملفوظی و مکتوبی و مسروری آنرا علیحده جدا جدا بنویسد واضح باد که ملفوظی بر سه قسم است حرف اول ملفوظی ۱۳ حرف است قسم دوم مکتوبی ۳ حرف است و مسروری ۱۲ حرف است (ملفوظی) الف - جیم - دال - کاف - لام - سین - عین - صاد - قاف - شین - ذال - ضاد - غین (مسروری) با تا ثا حا خا دا ذا را طا ظا فا ها یا حروف اول ملفوظی را زبر میگویند و باقیرا بینه و مکتوبی نیز بر همین قسم است و در مسروری یك حرف اول زبر است و دو دو را بینه - و حروف هر سه قسم جدا جدا نماید یعنی ملفوظی جدا مکتوبی جدا مسروری جدا بنویسد و برابر او مکتوبی و مسروری نوشته یك سطر استخراج کند بعد اعراب دهد عبارت ماضی معلوم خواهد شد و در هر -

سطری از جفر جامع اسم سائل باشد از آن خانه که در سطر اوّل
است آن احوال ماضی است و در هر سطری که نام باشد آن احوال
حال است و سطر یکه زیر خانه است آن احوال استقبال است.
طریقهٔ دوّم استخراج اینست که تمام اعداد سؤال سائل را
جمع کند و از او حروف بنا کند و چهار درجه حاصل کند اوّل
درجهٔ احاد دوّم درجهٔ عشرات سوّم درجهٔ مأت چهارم
درجهٔ الوف و از این چهار حروف بنا کند صفحهٔ جفر جامع
معلوم خواهد شد ـ و بعضی از استادان میفرمایند
که سؤال سائل را اوّل زمام کند یعنی تکسیر صدر و مؤخر تا زمام
حاصل آید بعد از این تمام حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری
جدا جدا بنویسد امتزاج دهد هشت صفحه حاصل شود بعد
اعدادش را جمع کند و اعداد اسم الله ۶۶ است ضرب کند
بعد حاصل ضرب را نصف نماید و آن قدر یکه عدد باقی ماند
آن اعداد را بر اعداد بسم الله الرحمن الرحیم ۷۸۶ است
تقسیم کند و هرچه باقی ماند آنرا با اعداد صفحه سائل جمع کند
و حاصل جمع را در صفحات جفر جامع را عددی طولاً از

اوّل تا خانهٔ هشتم بنویسد و فکر ببیند اگر اعداد هر دو
خانه و اعداد مجموع مساوی باشند اعداد تمام سطر این
خانه حاصل کرده صفحهٔ جفر جامع کامل کند و شمار عدد از
این اعداد ۲۸ خانه تقسیم کند و بر هر خانه که منتهی شود آنرا
جدا بنویسد و همین طور باعتبار هریك صفحهٔ جدا بنویسد
و از ترکیب این صفحه چهار حروف برای هر خانه تا هشت صفحه
ترتیب بنویسد تا اینکه طرح ۲۸ عدد تمام شود و از حروف حاصل
۴ قسم برابر کند و هریك قسمی باین ترتیب که بیان کردیم حروف
جدا جدا بنویسد مثلاً حروف قسم اوّل را طرح ۷۷ کند بعد طرح
۶۶ کند بعد طرح ۵۵ کند بعد طرح ۴۴ کند از اوّل تا آخر همینطور
طرح کند و هرچه از طرفی باقی ماند در آخر او را بنویسد یک
سطر حاصل شود او را بنویسد مگر قسم اوّل و سیم حروف را که بحال
خود بگذارد و حروف قسم دوّم را و چهارم را طرح ۷۷ کند باز طرح
۳و۳ کند ۱۲ حرف استخراج خواهد شد بعد جمع حروف نهارا
بیاورد بعد تکسیر صدر مؤخر کند بحکم خداوند جواب موافق
مطلب حاصل خواهد شد نظماً یا نثراً ـ والسلام محمد عطاری

سُؤال از جفر جامع کرمانی   بکن مُستحصله بهر خود آسان
ترفع یا ترقی یا تنزّل   مُساوات کند با اهل عرفان
بقسمت چار کن هر حرف خود را   بجای خود گذار از بهر درمان
تو بدّوح یکی داده ترفع   عصر تخضع ترقی ده دو چندان
تنزّل ظ ذ ث شغفس   مُساوات اجهز طلم داخل آن

اوّل سؤال را مُقطّع بنویسد و جمع کند عدد او را یکسطر بنویسد عدد وسیط مجموعی را بگیرد و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسد بعد تعداد حروف با عدد نقاط بنویسد ملتقب آن عدد حروف علیحده بنویسد بعد حروف استخراج نماید بعد صدر مؤخر نماید نظیره کواکب دهد نظیره بدّوح دهد بعد حروفات را بمطلوب دهد جواب بیرون آید - و در این امر دقت بسیار باید نمود که اشتباه نشود چون اکثر حروف را اگر اشتباه شود تمام آن سؤال الی آخر غلط میشود (سُؤال)
ا م روز دو ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل پ س ر ه ا د ی د ر خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د ی ا ن ه)
امروز دوشنبه اسماعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه

عدد اصل ۲۸۱۷ وسیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۰ نقاط ۹
زای اض ا د غ ی ن دال س ی ن ق اف ها م ی م ط ا ی ا
صدر مؤخر ا ز ی ا ا ی ط ض م ای د م ب ا ا ه غ ف ی ا ن ق د ا ن
ی ل س نظیرهٔ کواکب ایقغ ن ک ث ن ن ث م د ط ن ث ض
ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ج غ نظیره بدوح اجش
ج د ا ج ج ا ک ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ث ا ج ث خ ف ز ج ا د ع
مطلوب | د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب
د خ ث ص خ د ب ه س جواب دو ش ن ب ه ا س م ا ع ل ب
س ر ه ا د ی ب ه خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د
دوشنبه اسماعیل پسر هادی به خانه مسیح خواهد آمد
نظیره ایقغ) ا ی ق غ ب ک ر ( ) ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ( ) ذ ح ف ض ط ص ظ

دایره اجش   اح ج ش د ل ه   ط س ع ق ت ص ب
ب و ن ت ک ل م   خ ذ ص غ ر ص ز ی

طالب مطلوب هر حرف و قرینه

ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

قاعدهٔ دوّم

قاعدهٔ دوّم که علمای کامل جواب و سؤال سائل را مطابق
سؤال حاصل میکنند حروف هر سه قسم را یعنی ملفوظی و مکتوبی
و مسروری را امتزاج دهد و صدر مؤخّر کرده جواب حاصل میکند
بیان استخراج جفر جامع از حضرت امیرمؤمنان علیه السّلام منقول
است که احوال سائلی را در یافت کند فرموده اند که اسم سائل
در هر صفحهٔ که معلوم شود از سطر اوّل آن صفحه تا نام سائل آن
زمان ماضی است و در سطر یکه اسم سائل است آن زمان
حال است و آنچه بعد از این سطر است آن زمان استقبال
است و اگر بخواهد که احوال تمام استقبال و حال سائل در
یافت کند آن سطرها ئیکه برای استقبال لند خانهٔ اوتاد آنرا
بشمارد و هریك خانه چهار و چهار حروف استخراج کرده همه را
جمع کند و زبر بیّنات را جدا کند بعد از این حروف ملفوظ
را جدا کند و مکتوبی و مسروری نیز جدا کرده امتزاج دهد
اوّل یك حرف ملفوظی بنویسند دوّم مکتوبی سوّم مسروری
بنویسد این قسم تمام حروف را یک سطر بنویسد بعد از آن

سطر را در صدر مؤخّرات گردش دهد و وقتیکه تمام در
آید در سطورات تکسیرات نظر کند اگر جواب سائل در آید
بهتر و الا جواب نیافت پس در سطورات دقیقاً و کاملاً
منسوباً و مقلوباً و عرض و طول و عمق و قطر نظر کند تمام
احوال آینده گویا خواهد شد و اگر باز هم گویا نشد سطر
او را جدا بنویسد و بر اربعهٔ عناصر حروف گردش دهد
و امتزاج دهد اوّل آتشی بعد حروف بادی بعد آبی بعد
حروف خاکی همینطور این چهار حروف را جدا امتزاج داده
جدا کند مربع را منسوب و مقلوب کند تمام احوال گویا خواهد
شد ـ مثال عناصر اربعه مثلاً ط آتشی ری بادی و ك
آبی و ل خاکی مجموع ط ی ك ل میشود این چهار حروف را منصوب
و مقلوب کردیم طیکل لکیط یکطل لطیک کیطل و طلک لطکی
شد همین طرح ۴۴ ـ و طریقهٔ دوم اینست

که اول سطر را بعین امتزاج داده ۴ ۴ حروف جدا کند و بنویسد و هر چهار قطعه را مقدم و مؤخر کند و اعراب عنصری دهد مطلب معلوم خواهد شد ——— طریقه سوم اینست که چهار حروف را جدا بنویسد و اعداد جمله کبیر استخراج کرده حروف از اعداد پیدا کند و از آن حروف یک سطر بنویسد صدر و مؤخر کند کل احوال سائل دریافت خواهد شد آن چهار حروف اینها هستند ط ۹ ی ۱۰ ک ۲۰ ل ۳۰ جمله عدد (۶۹) شد از این لفظ سط طس بنا کردیم این چهار حروف را زبر بینه کرده امتزاج دهد ط ا ی ا ک ا ف ل ا م ج ی ف ق مجموع (۱۹۳) ج ص ق ثلاثه و تسعین بعد المائه مقطعه ث ل ا ث م ث س ع ی ن م ا ت ۹ — این هم تخلیص کردیم ث ل ا ه ت س ع ی ن م — شد

(باب سوم)

در استخراج جواب و سؤال اگر بخواهد که حال کسی را دریافت کند سؤال سائل را در بسط مسلم بنویسد و چهار چهار حروف جدا کند و اگر باقی حروف یک یا دو حرف بماند پس بینات او را پیدا کرده

این چهار حروف را تمام کند بعد هر جمله این چهار چهار را ملفوظی و مکتوبی و مسروری جدا کرده سه سطر علیحده بنویسد سطر اول ملفوظی را سطر دوم مکتوبی سطر سوم مسروری از سطر اول شماره از اول حرف چهارم گرفته بنویسد و از سطر دوم شماره کرده از حرف اول حروف چهارم گرفته برابر حرف اول بنویسد بعد از سطر سوم شماره کرده از حرف اول حرف چهارم گرفته برابر هر دو حروف بنویسد همینطور از این سه سطر یک سطر استخراج کند بعد این سطر را صدر مؤخر کند کل حال سائل از پرده غیب هویدا خواهد شد اگر از این قاعده حال معلوم شود بهتر است و اگر از این طرح معلوم نشد پس از تقسیم خمسه متحیره معلوم خواهد شد یعنی ۵ — ۵ طرح کند از این معلوم خواهد شد و اگر از این نیز معلوم نشد پس از تقسیم سبعه سیاره معلوم خواهد شد یعنی از طرح ۷-۷ و اگر از این هم معلوم نشد طرح ۹-۹ معلوم میشود یا از ۱۲-۱۲ کردن معلوم خواهد شد و اگر از این نیز معلوم نشد بر ۲۸ - ۲۸ منازل قمر تقسیم کند و یکسطر جدا بنویسد بعد تکسیر صدر مؤخر کند تمام حال خیر شر معلوم خواهد شد

(محمد داود راق عطائی
۱۸ از محرم ۱۳۹۹ هجری)

قاعدهٔ استخراج جواب سائل

بدانکه در قاعدهٔ استخراج جواب سائل حسین منصور حلاج در کتاب خود سرّ الاسرار المعروف بحلاج الاسرار نوشته است که اول سؤال را فرد فرد بنویسد بعد طالع وقت را استخراج کرده اوتاد یعنی خانهٔ اول و ۴ و ۷ و دهم و تمام بروج فرد فرد تحریر کند باین شرط که کل حروف در یکسطر بیاید بعد بسیط تکسیر کرده تمام حروف را تخلیص کند بعد از صدر و مؤخر زمام حاصل کرده در عرض و طول و عمق و قطر این جدول ملاحظه کرده ببیند که از یک یا دو کلمه جواب شافی حاصل خواهد شد بقول مذهب اشراقیه اگر سؤال در فارسی یا عربی یا هندی یا در هر زبانی که باشد جواب ظاهر گردد و بقول جناب سیادت مآب سید حسین اخلاطی نور الله مرقده حروف سؤال سائل را فرد فرد بنویسد ۴-۴ حروف جدا جدا تحریر کند بعد هر جملهٔ ۴ حرفی را از ملفوظی و مکتوبی و مسروری ترکیب دهد و امتزاج داده و تکسیر صدر و مؤخر زمام حاصل کند بعد در جدول هذا ملاحظه کند که جواب سائل صافی حاصل شد یا نه اگر جواب پیدا شد که بهتر است

و اگر نشد سطر زمام را خالص کرده باز تکسیر صدر و مؤخر کرده زمام حاصل کند بعد در سطور تکسیر نظر کند که جواب پیدا شد یا نه و اگر نشد ۴-۴ حروف زمام را جدا جدا احوال صفحات جامع کرده از صفحهٔ ملفوظی و مکتوبی و مسروری تحریر کند بعد از ترکیب یکسطر استخراج کند در این جواب سائل بموجب سؤال هویدا شود - و نیز این طریقه الیت برای تکسیر در جواب سائل که اول حروف مادر سائل تحریر کرده خالص کند بعد از این حروف را ملفوظی و مکتوبی و مسروری نوشته حروف بینات را بگیرد و اعداد کبیر و وسیط و صغیر از روی مکتوبی و مسروری نوشته حروف بینات را بگیرد و اعداد کبیر و وسیط و صغیر از روی مکتوبی و مسروری جمل کبیر کرده حصول حروف را تکسیر صدر و مؤخر کند جواب پیدا شود

نوع دیگر بدانکه تمام اولیاء الله از این قاعده بیان میکنند بدانکه در تمام عالم حیات و ممات و قبض و بسط و خیر و شر هرچه که در موجودات عالم پوشیده است آن ظاهر خواهد شد حضرت امام محمد باقر علیه السلام از این قانون اسم خود و اسم خلیفه وقت را بسط فرموده بودند و اسم مدعا یعنی هر اسمی که مطلوب بود آنرا بسط فرموده و حروف بنا کرد بسط اسمی از ملفوظی حروف عبارتست ملفوظی

و ملکوتی و مسروری را جدا جدا بنویسد بعد ۴-۴ حروف شمار کرده
حرف چهارم را جدا جدا بنویسد و هرچه که باقی ماند آنرا از قاعدهٔ زبر
بیّنات تمام کند و امتزاج داده سطر درست کرده تخلیص کند اگر
از هفت حروف کم باقی ماند مدخل کند و اگر زیاده ماند تکسیر صدر
و موخّر کند و از سطر تکسیر مطلب معلوم کند و اگر در ملفوظی و ملکوتی
و مسروری دو قسم باشد یعنی ملفوظی و ملکوتی و مسروری نباشد
آنوقت نیز همان قاعده بکار آمده است (.......) قاعده الیست
از حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرّضا علیه السّلام میفرماید که حروف
سؤال را مُفرد مُفرد بنویسد بعد اعداد زبر تمام حروف موافق
درجه بنویسد بعد اعداد تمام حروف را جمع کرده حروف بنا کند
و این حروف را ملفوظی و ملکوتی و مسروری تحریر کند امتزاج داده
صدر موخّر کرده مطلب تلاش کند این همان قاعده الیست که
ذکر کردیده شد) ــــ قاعدهٔ در بیان استخراج سؤال سائل
از خواجه نصیرالدّین طوسی منقول است میفرمایدکه اوّل حروف
سؤال را جدا جدا بنویسد بعد حروف مکرّر را بیندازد اسم سائل
که غیر از تخلیص مذکور در حروف قاطی کند و علیحده بنویسد و اعداد
جمع کرده بر منازل قمر تقسیم کند و اگر ۲۸ عدد کم بماند بر حروف ابجد

قطب طرح کند و بر هر حرفیکه منتهی شود آن حرف را نظیرهٔ ابجدی اصلی
دهد این مستحصله است و حروفیکه از سؤال سائل مُستخرج اند آنرا
اوّل از حروف ابجد قطب دریافته از ابجد اصلی نظیره را ده جدا تحریر
کند این مستحصلهٔ دیگر است و اعدادیکه از مستحصلهٔ اوّل پیدا کرده
بودند آنرا از حرف قطب ابجد حرف سیم و چهارم و ششم و هفتم و نهم
از استخراج خانهٔ قطب ابجد آنقدر اعداد که از سؤال حروف پیدا اشوند
هریک حرف از شمار این خانها استخراج کند این اسمش مستحصلهٔ خالص
است بدانکه هر وقتیکه سائل سؤال کند آنوقت بقاعدهٔ اهل النجوم طالع
وقت استخراج کرده برج طالع را معلوم کند

قاعدهٔ استخراج طالع وقت و استخراج آفتاب عالمتاب ـ اوّل دریافت
کند که آفتاب در این وقت در کدام برج است و چند درجه طی کرده
است و طالع وقت بهمراهی کدام منزل است و قمر در کدام منزل است
آفتاب و بروج و قمر و برج منازل هرچه در جدولات مات حروف
تقسیم شود از آن جدا اول حروف استخراج کرده جدا بنویسد این حرف
را جمع کرده از قطب ابجد مرتبه دریافته نظیرهٔ ابجد اصلی دهد این
هم اسمش مستحصل است

قاعدهٔ مرتبهٔ حروف ابجد اصلی اینست که اوّل ابجد را بر سه حصّه
تقسیم کند اوّل از الف تا طا مرتبهٔ آحاد است دوّم از ی تا صاد

مرتبهٔ عشرات است سوّم از قاف تا ظا مرتبهٔ مآت است و غین مرتبهٔ الوف است — مثلاً اوّل حروف سؤال سائل را تخلیص کند و حروف شماره کرده جدا بنویسد بعد حروف اسم سائل را غیر تخلیص داده حروف تخلیص مذکور شریک کرده اعداد هر یک حروف را از ۹ تقسیم کند اعداد دیگر باقی ماند آن را معلوم کند که در آحاد یا عشرات یا مآت است حروفات درجهٔ و مرتبه معلوم کرده جمع کند از عبارت جواب پیدا خواهد شد نقش همین است (ابجد قطب)

س	و	ا	ل	ع	ظ	ی	م	خ	ق	ح	ز	ت	ق
ص	ن	ذ	غ	د	ب	ش	ک	ض	ط	ه	ج	د	ث

(ابجد اصلی)

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

این مثالش چهار حرفی تحریر میشود این را باید خوب در خیال بیاورد مثلاً ق ل ص م این چهار حروف سؤال و نام را از ابجد قطب دریافتیم

با این ترکیب حرف اوّل قاف است و اعدادش یکصد میباشد این را از ۹ تقسیم کردیم از صد یک باقی ماند اسمش تقسیم آحاد است از این این سه حرف شد ا ب ج و از ابجد قطب حروف گرفتیم ص ن ذ بعد از این عدد (ل) ۳۰ این را نیز از ۹ تقسیم کردیم سه عدد باقی ماند اسمش تقسیم عشرات است حروفش ی ک ل و از ابجد قطب این حروف پیدا شد ط ه ج بعد از این حرف ص است ۹۰ عدد دارد این را از ۹ تقسیم نمودیم چیزی باقی نماند اسمش تقسیم مآت است حروف ابجد اصلی ق ر ش است و از ابجد قطب حروف ظاهر شد ع ظ ی بعد از این حرف میم است ۴۰ عدد دارد این ۴۰ را از ۹ تقسیم کردیم ۴ باقی ماند باز اسمش تقسیم آحاد است حروفش از ابجد اصلی این است د ه و ز - و از حروف ابجد قطب این است غ ر ب ش از مذکور چهار حروف این کل حروف حاصل شد ص ن ذ ط ه ج ع ظ ی غ ر ب ش همین جور استخراج کرده نظیره دهد بعد سائل را جواب دهد ان شاء الله تعالی

قاعدهٔ دوّم مثلاً این چهار حروف فرض را سؤال قرار داده و خالص کردیم و غیر خالص حروف اسم سائل و حروف طالع وقت و حروف آفتاب یعنی در هر درجه که در آن درجه آفتاب باشد و حروف

بروج قمر و منازل قمر این تمام حروف را جمع کردیم پس این حروف فرض پیدا شدند ق ل ص م اعداد قاف را بر منازل قمر تقسیم نمودیم ۱۶-۱ اعداد باقی ماند این را برا ابجد قطب تقسیم نمودیم نون حاصل شد آن را نظیرهٔ ابجدی دادیم حرف غین شد بعد از این اعداد لام ۳۰ است این را نیز بر ۲۸ منازل قمر تقسیم نمودیم دو باقی ماند از ابجد قطب واو حاصل شد و نظیره اش دال است بعد از این صاد است از تقسیم ۲۸ منازل ۶ باقی ماند از خانه ششم ابجد قطب ظا حاصل شد و نظیره اش میم است بعد از این میم ۴۰ عدد دارد این را با عدد بالا تقسیم نمودیم ۱۲ باقی ماند و از حساب ابجد قطب از خانهٔ دوازدهم را حاصل شد همینطور از طرح ۹-۹ مستحصله حاصل کرده سائل را جواب دهد لیکن تا وقتیکه حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری را از نظیره ابجدی دادیم ش حاصل شد حروف مستحصله این چهار حروف غ ر م ش حاصل شد حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری را جدا نوشته امتزاج دهد بعد صدر و مؤخر کند جواب حاصل خواهد شد - و السلام ۴۲

(در بیان مداخل وفق زوجی)

واضح باد که وفق زوجی دو قسم دارد قسم اول زوج مطلق دوم زوج زوج فرد زوج مطلق اسم ۴ حرفی یا ۶ حرفی یا ۸ حرفی یا ۱۰ حرفی یا ۱۲ حرفی دوم زوج فرد اسم ۳ حرفی یا ۵ حرفی یا ۹ حرفی یا ۱۳ حرف مثلاً زوج مطلق اسم متعال و عدد دارد و زوج فرد اسم متکبر ۵ حرف دارد این هر دو را جدا جدا و مفرد مفرد در جداول نوشتیم)

متعال

م	ت	ع	ا	ل	ی
ت	ا	ی	م	ع	ل
ا	م	ل	ت	ی	ع
ی	ل	ا	ع	ت	م
ع	ی	ت	ل	م	ا
ل ۵	ع ۳	م ۱	ی ۶	ا ۴	ت ۲

متکبر

م	ت	ک	ب	ر
ب	ر	م	ت	د
ت	ک	ب	ر	م
ر	م	ت	ک	ب
۳	۴	۵	۱	۲
ک	ب	ر	م	ت

ابتث

ا	ب	ت	ث	ج
ج	ا	ث	ب	ت
ت	ج	ب	ا	ث
ث	ت	ا	ج	ب
ب	ث	ج	ت	ا

علیم

ع	ل	ی	م
ی	م	ع	ل
م	ی	ل	ع
۲	۱	۴	۳
ل	ع	م	ی

بیان مداخل تکسیر منصوب الطرفین را بدانکه حروف سطر را در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف از هر دو طرف بنویسد تا تمام آید یعنی سطر اول در آخر پیدا شود اسمش تکسیر منصوب الطرفین است و این مثالش است (نقش این است)

ا	ه	ط	م
م	ا	ط	ه
ه	م	ط	ا
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م
ا	م	ه	ط
ا	ط	م	ه
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب
ب	م	ه	ف	ش	ط	ا	ذ
ط	م	ذ	ب	ف	ش	ه	ا
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب

در بیان مقلوب التکسیر بدانکه حروف سطور در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف هر سطر را بنویسد لکن هر دو سطر حرف اول قائم باشد برای مثال - در صفحه بعد بیا شد -

خانهای جفت

ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل
ی	ع	کج	ل	ر	ب	ق		ا
غ	ج	ر	ق	ا	ب	ل	ک	ی
ع	ق	ب	ک	ی	ل	ا	ر	ع
ق	ک	ل	ر	غ	ا	ی	ب	ج
ک	ر	ا	ب	ج	ی	ع	ل	ق
ر	ب	ی	ل	ق	ع	ج	ا	ک
ب	ل	غ	ا	ک	ج	ق	ی	ر
ل	ا	ج	ی	ر	ق	ک	غ	ب
ا	ی	ق	ع	ب	ک	ر	ج	ل

در بیان تکسیر زوج بدانکه تکسیر زوج را اینرا میگویند حروف جفت و سطور جفت باشد دو حرف از سطر بردارد در تمام سطر عمل برابر کند

خانهای طاق بدانکه تکسیر معکوس آنرا میگویند حروفی را که از سطر برداردند بموجب قاعده تحریر کنند و مثال اینست

ا	ی	ق	غ
ق	ی	غ	ا
غ	ی	ا	ق
ا	ی	ق	ع

نقش این است

ا	ی	ق	غ	ب	ک
ک	ق	ب	ی	غ	ا
ی	ب	ک	ن	ا	غ
ق	ک	ا	ب	غ	ی
ب	ا	غ	ک	ی	ق
ک	غ	ی	ا	ق	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک

(بیان تکسیرات)

بدانکه تکسیر متجانسین و متخالفین از برج حمل تعلق دارد و سیاره اش مریخ است و تکسیر مراتب الحروف از برج مریخ تعلق دارند سیاره اش زهره است و تکسیر مراتب العددی از برج جوزا تعلق دارد و سیاره اش عطارد است

و تکسیر عناصری از برج سرطان تعلق دارد و سیاره اش قمر است
تکسیر مرکب عجمی از برج اسد تعلق دارد و سیاره اش آفتاب است
و تکسیر مرکب الحروف از برج سنبله تعلق دارد سیاره اش عطارد است
و تکسیر مرکب العددی از برج میزان تعلق دارند و سیاره اش زهره است
و تکسیر مرکب الحرفی از برج عقرب تعلق دارند و سیاره اش مریخ است
و تکسیر بروج الحرفی از برج قوس تعلق دارند و سیاره اش مشتری است

در بیان تکسیر اول بدانکه حروف طاق یا جفت از هر قسمی و هر قدر که باشند بهمان عدد خانه های مربع یا مثلث بنا کرده پر کند اسمش

مداخل است و این دو قسم دارد قسم اول وقف تکسیر متوسط شود بهتر است دو فوق اعداد میزان را گویند در خانهای طاق پر کند در هر سطری را بحسب ترتیب وضع حروف اصلاح دهد - اسم شود یا آیه قرآن شریف این از اسرار الهی است که از نااهل و نامحرم پوشیده است - بدانکه مدار تکسیر بر استخراج حروف زمام است از حروف اسماء الهی و اسماء آدم هرچه که در عناصر اربعهٔ عالم شش جهت و در اجسام و نفوس هست حاصل هرچه در نفس است طبع او واجب است و هر طبع را جسم و هر جسم را روح و هر روح را اسم واجب است مرکب حروف را مسخر روحانی میکو نید و این تمام تصرف از پروردگار عالمیان است اگر کسی حرفی را دعوت کرده روحانی مسخر کند و تاری آن حرف شود البته مراد حاصل شود - قسم دوم در خانهای جفت حروف جفت پر کند

(بیان مداخل تکسیر مرکب عجمی)

مرکب عجمی از برج اسد و کوکب آفتاب تعلق دارد - بدانکه حروف اسم طالب و حروف اسم مطلوب اگر واسطی عمل محبت است آنوقت زهره و مشتری را شامل کند بعد یکسطر بنویسد و اگر از برای عداوت عمل کند آنوقت زحل و مریخ را شامل کند و یکسطر تحریر کرده تکسیر کند و قتیکه زمام پیدا شود از آن سطر ۴-۴ حروف کرده معرب و معجم کرده

ملائکهٔ هر حرف را بنویسد و اگر روز یکشنبه باشد در آتش بسوزاند و اگر روز دوشنبه عمل کند در آب بیندازد و اگر روز سه‌شنبه باشد عمل کند یا شنبه یا جمعه عمل کند در خاک دفن کنند

ملائکه - حضرت عزرائیل ۴ حضرت میکائیل ۴ حضرت اسرافیل ۴ حضرت جبرائیل علیهم السلام - و وقت عمل ابتداء بوی خوش بکار برد که تعلق به کواکب دارد ——— حروف بروج و منازل قمر را ترکیب دهد

(بیان مداخل تکسیر مراتب حروف)

منسوب است از برج ثور و کواکب زهره در اسم طالب و مطلوب هرکه مراتب اسم باشد او را اول بنویسد مثلاً قاسم که الفی دارد مرتبه او را علی است و این را اول نوشتیم بعد از این م بعد از این س بعد ق ا م س ق و بیانش ان شاء الله تعالی بعد مفصل خواهد آمد

(بیان تکسیر مرکب العددی)

منسوب است از برج میزان و از کواکب زهره بدانکه مداخل تکسیر مرکب العددی ترکیب العربی ابتداءً اسم یا کلمه باشد این را جمل کبیر میگویند بعد از این حروف ملفوظ مرکب بنویسد و بعد از این عدد بنویسد مثلاً علی است این را در بسط مسلم نوشتیم ع ل ی بعد از این

بسط مرکب لفظ عربی مثلاً سبعین ع ۷۰ عدد دارد بعد ثلاثین ل ۳۰ عدد دارد بعد عشره ی ۱۰ عدد دارد حروف مستخرجه س ب ع ی ن ث ل ا ث ی ن ع ش ر ه (۱۸۵۸) این جمله عددش میباشد و حروف آن اینست که ح ن ض غ از نام علی این حروف حاصل شد

(بیان تکسیر العددی)

منسوب است از برج جوزا و کواکب عطارد بدانکه در حروف اسم طالب و مطلوب هرکه کم عدد دارد او را مقدم کند و هرکه زیاده اعداد دارد آن را در آخر بنویسد مثلاً اسم احمد حرف الف که عدد دارد اول تحریر کردیم بعد از این دال بعد از این حا بعد از این میم ادحم مرکب ادحم شد و اسم دوم حبیب است حرف که عدد دارد تحریر کردیم ب ب بعد از این ح بعد ی حرف حمله ب ب ح ی مرکب ببحی)

(بیان تکسیر مرکب الحروف)

منسوب است از برج جوزا و کوکب عطارد بدانکه مداخل تکسیر مرکب الحروف اسم الله یا اسم آدم هرچه باشد حروف آنها را لفظی بنویسید بعد صدر مؤخر کند مثلاً لفظ رحمان را لفظی کردیم را حا میم الف نون بعد این را مرکب نوشتیم را حا میم الف نون با بنصورت حروفات اسماء را باید تحریر کنند

(بیان تکسیر مرکب الحروف) عناصر اربعه

منسوبست از برج سرطان وکوکب قمر بدانکه ترکیب تکسیر عناصر اربعه وتقسیم این است مثلاً اسم شدید احرف اول ش است واعداد او ۳۰۰ پیدا شد این را از چهار تقسیم کردیم دو باقی ماند ب حاصل شد از ی نیز ب بعد از این حرف دال از این چیزی باقی نماند دال بحال خود گذاردیم بعد از این الف لا نون نیست که طرح شود این جمله حروف از اسم شدید حاصل شد ب ب د ال

(بیان ترکیب التشفیع)

منسوب است از برج جدی وکوکب زحل بدانکه از اسم ادم حرف اسم الله تعالی وضع کند واسم الله را میان اسم طالب و مطلوب نوشته ویکسطر درست کرده صدر ماخر کند که زمام حاصل آید یعنی سطر اول در اخر هویدا شود واین طریقه خب است مثلاً طالب احمد و مطلوب قاسم و اسم خدا ودود) این حروف را در لبسط مسلم بنویسید باین نحو (ق اس م ود ود اح م د) اسم این تکسیر شفیع است وحروف اسم الله واسم خدا واسماء الهی در هر عمل بکار میآید ——

(بیان مداخل تکسیر مرکب الوتری)

منسوبست از برج دلو وکوکب زحل ÷ بدانکه حروف اسماء الهی وتر اگر میان دو نفر جدائی شود این اسماء الله تعالی را اسم طالب ومطلوب را باین ترکیب بنویسد احمد طالب وقاسم مطلوب و اسماء الله یا ودود یا مهیمن یا صمد این همه را لبسط مسلم کند ق ا و ا ح د س م دم د و بعد از تکسیر در عمل بیاورد ——

(بیان مداخل تکسیر تزویج الحرفی)

منسوبست از برج قوس وحوت وکوکب مشتری - بدانکه تزویج الحرفی این را گویند که حروف اسم طالب ومطلوب جفت باشند وبعضی از استادان چنین تحریر میفرمایند که حروف اسم طالب ومطلوب خواه طاق باشند یا جفت این حروف را از اول تا آخر بسط مسلم کند وحروف تمام سطر را جمع کرده تکسیر کند مثلاً رحیم و قاسم - رح ی م و ق ا س م یا معروف و محمود م ع ف دم ح م ود —

(بیان مداخل تکسیر مرکب الحرفی)

منسوبست از برج حمل و عقرب وکوکب مریخ بدانکه تکسیر مرکب الحرفی اسم الله یا اسم ادم باشد حروفش را لفظی کند لبعد صدر ماخر کند مثلاً صمد - صاد میم دال تحریر نماید والسلام خیر ختام

(در جواب استخراج جواب و سؤال)

چند قاعده دارد ـ در کتاب سرّ الأسرار حلّاج قاعده هائی استخراج سؤال الجواب تحریر کرده میفرماید وقتیکه سائل سؤال کند طالع وقت دریافت کرده خانه بروج حروف اوتاد و مطلب سائل و حروف روز و ساعت فرد فرد بنویسید بعد از این از اعداد جُمل یکی بنویسد بعد شمارهٔ حروف اعداد جدا بنویسد بعد بر آن قدر یکه نقطها باشند آنقدر اعداد نوشته حروف ملفوظی بنا کند مثلاً برج اوتاد این حروف باین مثال (ن ب ج د و ش) را عدادش (۷۶۱) و حروف ۷ و نقاط ۱۴ از این حروف ملفوظی بنا کردیم (ال ف س ی ن ذال زا دا و) و اعداد حروف روز و ساعت و سؤال ۲۲۵-اند و شمار حروف ۱۲-اند و نقاط ۵ اند از این نیز حروف ملفوظی بنا کردیم ه ا ک ا ف ر ا ب ا ی ح ا این تمام حروف از سؤال و طالع وقت و اوتاد و روز و ساعت استخراج شدند بعد خالص کردیم ن ب ج د و ش ا ل ف س ی ن ذ ز ه ک ح بعد این حروفات را بسط کسودات کردیم)

ن ب ا ج ر ق ن و ج ش ا ل خ م ن ی ه س ل ی ه ذ ز ه ل ه ی ح د

(۱۲)

این حروف حاصل آمدند از این یکسطر بنا کرده نظیره دادیم

اساس	ن	ب	ا	ج	د	ق	ن	و	ج	ش	ا	ل	ف	م	ک	ی
نظیره	غ	ع	س	ف	و	ه	خ	غ	ر	ف	ن	س	ض	ج	ظ	ذ
اساس	ه	س	ل	ی	ه	ذ	ز	ه	ک	ی	ه	ح	د	ب	ا	ز
نظیره	ق	ا	ض	خ	ق	ک	ش	ق	ذ	خ	ق	ت	ص	ع	س	ش

بعد از سطر نظیره حروفیرا که لازم است آنها را ترقی دهد آن حروفیکه تنزّل لازم است آنها را تنزّل و تکسیر مستحصله بنا کند بعد بسط عزیزی کرده صدر مؤخر یک یا دو یا سه حرتبه کند سطر آخر مآل سائل گویا خواهد شد

قاعده بدانکه اوّل سؤال سائل مع اسم سائل و اسم مادر سائل و روز و ساعت و طالع وقت بسط کرده نظیره را از جزو و سطر مستحصله استخراج کرده مرتّب و مقوّی کرده تکسیر کند سطر پنجم بر مآل سائل گویا خواهد شد قاعده استخراج حروف مستحصله بدانکه استخراج حروف مستحصله از نظرات کواکب بر تثلیث و تسدیس است بقاعدهٔ علم نجوم وقتیکه سائل سؤال کند آنوقت طالع وقت استخراج کرده بعد صاحب طالع را ببیند در هر خانه که باشد از آن

خانهٔ برج سیم و یازدهم و پنجم و نهم شماره کرده حروف این بروج
گیرد و حروف اسم سائل را در بسط مسلم ملفوظی تحریر کند بعد حروف
مکرره را بیندازد بعد زیرش سطر نظیره بنویسد بعد آن قدر که
حروف باشند جدول بقدر خانه‌ها بنا کرده حروف خالص پر
کند بعد ترفع دهد که سیم و یازدهم و پنجم و نهم از شمار حروف
گرفته زیر سطر نظیره نوشته سطر ترفع تمام کند بعد نظیره داده صدر
مأخر کند از سطر آخر جواب سائل حاصل شود - انشاءالله تعالی

بقاعده عربی جواب سائل اول سؤال سائل را در بسط مسلم نوشته
اعداد جمع کند بعد از اعداد حروف ملفوظی بنا کرده از هر حرف اعداد
بنا کرده حروف بنا کند نظیره داده صدر مأخر کند جواب حاصل خواهد شد

مثال او برای این چهار یا پنج حروف میدهیم مثلاً اعداد جفر ۳۵۳ این را
در لسان عربی ثلاث وخمسین ثلاثة مائة میگویند اعدادش را جمع کند
(۲۲۷۴) این را نصف کردیم (۱۶۳۷) سبعة ثلاثین ستمائة الف
(۲۲۵۰) (۲۲۵) (۲۷-۹) هو ك ر ز ك ط) این حروف را ملفوظی بنویسد
(هاء كاف راء زاء كاف طاء) بر این قیاس سؤال را نوشته جواب دهد

نقل است از شیخ بهائی علیه الرحمة تجربه شده و صحت دارد هر کس
حاجتی داشته باشد از شخصی با طهارت سورهٔ النصر را با این شکل به
کف دست راست بنویسد و دست خود را هم قبض نماید و فتکیه به مقابل
شخص منظور الیه برسد کف خود را مفتوح نماید بطوری که آن شخص نفهمد
✡ از ابن عباس روایت شده و مکرر تجربه شده است بجهت محبت و الفت
در روز دوشنبه یا پنجشنبه بعد از فراغ از نماز صبح با زعفران و مشک و گلاب
و کافور در ورق نارنگ با اسم و مادر مطلوب و هکذا اسم خود و مادر بعد
آن نوشته را - اِجْعَلِ الوَرَقَ فی شمع وَخُذْهُ بکفّك الیمنی وا عرض نفسك علیه
وارم بصرك علی الأرض الی اَنْ یقع بصره علیك فاذا نظر فاعقده علی ذراعك
الیمنی والتعویذ هذا — یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ یا اهیاً
یا شراهیاً زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ الی قوله حسن المآب - قُلْ اِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ
اللّٰهَ الی قوله غفور رحیم - وَاَلْقَیْتُ عَلَیْكَ مَحَبَّةً مِنِّی الی قوله بکفد هذا باسم فلان
علی حب فلان بحق لا اله الا الله محمد رسول الله —
فصل در باب حروف سبعه که در سورهٔ فاتحه نیست مجموع آن در این آیه
از آیات سورهٔ انعام بترتیب است) فخشظجزث نازل گردیده و آن اینست
اَوَمَنْ کانَ مَیْتًا فَاَحْیَیْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ کَمَنْ مَثَلُهُ
فِی الظُّلُمَاتِ لَیْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا کَذَلِكَ زُیِّنَ لِلْکَافِرِینَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ عدد
۵۹۲ و طرح ۱۲ [illegible] مثلثه ۲۱۹۵ حروف خالصه بترتیب ابجد در این آیه اینست
ا ب ج هـ د ر ح ی ك ل م ن س ع ف ر ش ت ث خ ذ ط حروف نورانی

۱۱ حروف ظلمانی ۱۱ (باب) معرفت هذه الاسماء اذا کتبتها فی جوف مجلید والقیته یطلعک علی الماء و لم تغرق وایاک ان تعقدها احداً و تحل القفل من کرم الله تعالی و کرم اسم الاعظم و اذا کتبت فی صحیفة فضة وزن صفین من الذهب الخالص و تنقش فیه اسم الله تعالی الاعظم فخشتظحز و تجعله فی کفک فلا تمس سلسلة ولا غفال الا انفتح و یکون لک حق عظیم فیما یحتاج الیه الخلق و اذا نقشتها مفردةً فی الید و انشده بها علی الناس فانهم ترتعدون وایاک ان تسرق بها و اذا اردت حل معقود فاکتبه بزعفران و ماء الورد فانه ینحل ولو کان له الف سنة ینحل باذن الله تعالی

بجهة امراض و علل و شفاء این لوح شریف را هر رفتا یکه نموده شده بنویسد و بر بازوی راست یا بر سر ببندد شفا یابد بعد از لوح این عبارت با شکال اسم اعظم ثبت نماید – اللهمّ اشف بشفائک العام التام الشریف الفاضل الکامل علینا بحرمة هذا المربع الذی ادرج فیه الاسم الاعظم العمل الساعة الوحا آجیاً شراهیا ﻫ ﻫ ﻫ ﻫ و و و و و ///× ۶۶۶۶۶ ۶ ✡ و ﻫ صه آآ ا م ۱۱۱۱ ﻫ و

الله ۲-۶۶	یشفی ۱۱ ۴۰۰	عبده ۱۴ ۸۱	بلطفه ۵ ۱۲۶
۱۲۷ ۶	۸۰ ۱۳	۴۰۱ ۱۲	۶۵ ۴
۳۹۸ ۹	۶۴ ۲	۱۲۸ ۷	۸۳ ۱۶
۸۲ ۱۵	۱۲۹ ۸	۶۳ ۱	۳۹۹ ۱۰

عدد سور قرآن مجید ۱۱۴
ط ح ی ل و م ی ا
طحیلومیا برای حل قفل مرتو است انشاء الله تعالی عطای ۱۲

قاعدهٔ دیگر در استخراج جواب سائل) شخصی مسمّی باسم غلام محمّد سوال کرده که نکبت من کی خواهد رفت بعد از این در بسط مسلم مع اعداد نوشتیم (غ ل ا م م ح م د ک ا ا ف ل ا س ک ب ج ا ی ک ا
۱۰ ۱۳۰ ۴۰ ۴۰ ۴۰۸ ۱۱۲۰ ۸۰ ۱۲۰ ۶۰ ۲۰ ۲ ۴ ۱۰۱ ۲۰ ۱

جمله اعداد کبیر (۱۴۱۳) اعداد وسیط (۱۴۴) اعداد صغیر (۱۸) اعداد ابصغیر ۹ – ایزاد از بسط ملفوظی نوشتیم (ج ی م ی ا ت ا غ ی ن د ا ل م ی م ق ا ف ح ا ی ا ط بعد از این حروف سؤال دادیم (۲۲) اند از این حروف (ب ا ک ف و نقاط (۶) اند از این و او بنا کردیم جمله حروف استخراج این شدند (ج ی م ی ا ت ا غ ی ن د ا ل م ی م ق ا ف ح ا ی ط ا ب ا ک ا ف د ا و ایزا خالص کردیم ج ی م ا ت غ ن د ل ق ف ح ط ب ک و (۱۶) ترفع حروف مستحصله استخراج کرده بعد نظیره داده صدر مأخر کردیم جواب سائل بجز بی ظهور پذیر شد جواب حاصل امروز تأمل کرده بعد از شش ماه افلاس و نکبت تو دفع خواهد شد – مقصود اینست که ذکر این طریقه کرده باشیم – در صفحه مقابل

[illegible]	ج	ی	م	ا	ت	غ	ن	د	ل	ق	ف	ح	ط	ب	ک	و	ب	ج	د	ل	ل	م
[illegible]	ف	غ	ظ	س	ح	ن	غ	ص	ض	ه	ج	ت	ث	ع	ذ	ر	ع	ف	ص	ذ	ض	ظ
[illegible]	ف	خ	ق	س	ع	ص	ج	ب	ف	خ	س	ذ	س	ا	ض	س	ب	ق	ض	ف	ا	ن
[illegible]	ج	ی	ه	ا	ب	د	ف	ا	ج	ی	ا	ل	ا	س	ل	ا	ع	ه	ل	ع	س	ه
[illegible]	ا	ج	س	ی	ج	ه	م	ا	ه	ب	غ	د	ا	ف	ل	ا	س	ع	ا	ی	ک	ا

نوع دیگر در جواب سائل شخصی مسمّی بسلیم خان - سؤال کرد کر افلاس
مرا از ورآورده است و سوداگر بودم و گفت مرا تسلّی ده و نظر کن
و ببین مقدر من چطور است - بنده سؤال را باین ترکیب موافق
قاعده جفر نوشتم و بسط کردم سؤال را و آن سؤال اینست سؤال
سلیم خان از الحروف مفرده نوشتم (م ق د ر م ن ج ط و ر ا س ت)
مجموع اعداد اینست ۱۲۶۹ عدد حروف ۱۴ عدد نقاط ۷ اعداد
را حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری نوشتم (ط ا س ی ن ر ا ع ی ن
د ا ل ی ا ز ا) بعد اعداد کبیر را وسیط کردیم (۴۵) شد بعد صغیر
(۹) حروف بنا کردیم ه ا م ی م ط ا شد بعد طالع سلیم خان
برج دلو بود این حروف را نوشتیم (د ط ک ض) و اساس قرار
دادیم و نظیره کردیم بعد از نظیره مستحصله استخراج کردیم و بعد

نظیره دادیم صدر را مؤخر نمودیم جواب مقبول نمودار شد بدین طریق

ط	ا	س	ی	ن	ر	غ	د	ل	ر	ه	م	ک	ض	اساس
ث	س	ا	خ	غ	و	ن	ص	ض	ش	د	ظ	ذ	ل	نظیره
د	ع	ر	و	ز	ق	ح	ا	ح	ذ	ع	ح	خ	غ	مستحصله
ص	ب	و	ر	ش	ه	ت	س	ت	ک	ب	ت	ی	ن	نظیره
ن	ص	ی	ب	ت	و	ب	ر	ک	ش	ت	ه	س	ت	صدر [illegible]

این جواب حاصل آمد) نصیب تو برگشته است) بمجرد شنیدن
این جواب سلیم خان گفت چه تدبیر کنم
این سؤال را مفرده نوشتیم بموجب مذکور بالا بسط کردیم ح ه ت د ب
ی د ک ن م ۲۳۴/۸ ۷۷/۱۴ ترکیب جدول بالا نمودار است
دال م ذ ز ع ی ن ح ه)

د	ا	ل	م	ذ	ی	خ	ز	ع	ن	ه			اساس
ص	س	ض	ظ	ک	غ	ت	ش	ب	غ	ق			نظیره
ع	ب	ک	ث	ب	م	ه	و	ک	ن	ا			مستحصله
س	ا	ل	غ	ا	ن	و	ه	ل	م	ب			[illegible]
ب	س	م	ا	ل	ل	ه	خ	و	ا	ن			صدر [illegible]

جواب سائل بر آمد بسم الله بخوان و سعی بسم الله الرحمن الرحیم

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

خیلی بی شمار است و چون مداومت نمود زمانی نگذشت که سعادت روی آورد و سال و دولت و اقبال برآورد که محتاج خلق نگردید از برکت بسم الله و شرحش طولی دارد لیکن قدری از شرح کلمه مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم بیان میشود از جهتی که اینجا ذکر شد و بعضی خواص بسم الله را چنان بیان کرده اند که اگر کسی را حاجتی رو دهد این کلام شریفه بعدد حروف جمل کبیر که هفتصد و هشتاد و شش مرتبه یکهفته پی در پی باید ۷۸۶ عدد تلاوت نماید از برای هر حاجت باشد خصوصاً برای جلب منفعت یا دفع ضرر یا گشادگی کارهای بسته و زیاد شدن رزق و متاع باذن الله تعالی یکهفته یا دو هفته تمام نشده باشد حاجات برآورده گردد و طلسم مبارک شریف که در بالا مرقوم شده با خود دارد از کلمات آخر الزمانی در امان حافظ حقیقی باشد - و بعضی خواص این آیه شریفه را چنان شرح میکنند که اگر کسی حاجتی داشته باشد هیچ چاره نداشته باشد پناه برای آیه شریفه ببرد خداوند تعالی جمیع حاجات او را روا کرداند و قاعده و طریق خواندن با این نحو میباشد

که بعدد جمل که پیش گذشت با شش رکعت نماز بخواند با سه سلام هر دو رکعتی بیک سلام و در هر رکعت بعد از یکمرتبه سوره حمد ۱۵ مرتبه سوره الم نشرح و بعد این دعا را بخواند و بعدد مذکور ۷۸۶ بسم الله الرحمن الرحیم را بعد از شش رکعت نماز که ذکر شد و بعد از ختم این دعا را بخواند و حاجت خود را طلب کند از بروردگار عالم انشاء الله برآورده است دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک بفضل بسم الله الرحمن الرحیم و اسئلک بعظمة بسم الله الرحمن الرحیم و اسئلک بجلال و ثناء بسم الله الرحمن الرحیم و اسئلک بسم الله الرحمن الرحیم و اسئلک بحرمة بسم الله الرحمن الرحیم و بجبروت و ملکوت و کبریاء بسم الله الرحمن الرحیم و اسئلک بعزة و قوة و قدرة بسم الله الرحمن الرحیم ان ترفع قدری و تیسر امری و اجبر کسری و اغن فقری و اطل عمری و تقضی حاجتی بفضلک و کرمک و احسانک یا من هو کهیعص حمعسق الم المر یس الاسم الاعظم الله لا اله الا هو الحی القیوم العلی العظیم الاکرم ذو الجلال و الاکرام و اسئلک بجلال الهیبة و بعزة العزة و اسئلک برحمتک و بالکبریاء العظمة و بالجبروت القدرة ان تجعلنی من الذین لا خوف علیهم و لا یحزنون و اسئلک بدوام البقاء و ضیاء النور ان تجعلنی من الصالحین

وَ اَسْئَلُكَ بِحُسْنِ الْبَهآءِ وَ بِاشْرَاقِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تُدْخِلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ چنانچه شخصی اینعمل را بجای بیاورد خدا ایتعالی حاجات او را بر آورده کرد اذا بشاء اللّٰه تعالی

یک قاعده – سؤال و جواب) سؤال شده خاتم النبین کیست

مدخل کبیر ۱۹۵۲ عدد حروف ۱۶ عدد نقاط ۸ اهم را استنطاق کردیم

ب ن ظ غ – د ی – ک – بسط دادیم – ب ا ن و ن ظ ا غ ی ن د ا د ی ا

نظیره ابجد) ع س غ ر غ م س ن خ غ ر س ر خ س خ س

نظیره اهطم) ن م ض ص ض س م ع ن ض ص ض م ص ت م ت م
ت ص ع ب ص ض ق ا ح ض س ع غ س ظ ص ظ
ح د ب ع د ل ه س ت ل ا ب ن ا م ا م
م ح م د ا ب ن ع ب د ا ل ل ه ا س ت

جواب در آمد – محمد ابن عبد الله (است)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرمایند – يَا عَبْدَ عِنْدَ كُلِّ الْمَعْرُوفِ خَزَائِنِي فَاِذَا دَخَلْتَ عَلَى خَزَائِنِي لَا تُخْبِرْ اَحَداً بِاَنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى خَزَائِنِي وَ اِلَّا فَاَنْتَ خَائِنٌ عَلَى اَحْقِيقِي است در سینه برد – در پی نبود علائی

یک قاعده دیگر) مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ —

عدد کبیر ۱۴۷۱ و سیط مجموعی ۶۷ و سیط کبیر ۱۴۸ صغیر ۱۳

مراتب نقاط ح ل جمع کل ۱۷۳۷ بسط ا ل ف ع ی ن ت ا غ

ی ن ر ز س ی ن ح ا م ی م ق ا ف ج ی م ی ا ح ل

خلاصه) ا ل ف ع ی ن ت غ ز س ح م ق ج –

با عدد ماه جمادی الثانی) ج م ا د ی ا ث ا ن ی

سال ج ک ر غ – نظیره

ص ض ج ب خ غ ح ن ش ا ت ظ ه ف غ ف ک خ ص خ ط س غ

خ ف ذ و ن مستحصله موافق صفحات جفر جامع

ت خ س ض خ غ س ص ر ظ ع ق ع ض ذ ر ر ض س ق ر

س ک س ق خ خ نظیره —

ح ی ا ل ی ن ا ا د م ت ه ب ل ک د و ر ل ا ه ش ا ط ا ه ی ی

صدر مؤخر) ی ح ی ی ه ا ا ل ذ ی ا ن ش ا ه ا ا و ل م ر ت

و ه و ب ک ل ش ع ل ی م – يُحْيِيهَا الَّذِي اَنْشَأَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(قاعدهٔ جفر تبیر)

السّؤال: مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ) عدالحروف ۱۹ النقط ۷ لفظ: ۳ غافیطوس - اساس: ز ش ب غ ط ی ر ذ ی و م ا ل ا ح د ا و ب ع س ا ع ف غ ا ن ی ط ا و س —

نظیره: ش ر ع ن ث خ ظ س ض ت ص و ب ا ح ج —

تکسیر: ج ش ح ر ا ع ب ن و ث ص خ ث د ض ط س —

مستحصله: ض ق ص ن غ س ب خ ظ ض ض ش ش ض غ ه ی

نظیره: ل ه ا غ ی ا ع ی م ل ل ز ر ل ن ق خ —

الجواب: خ ل ق ه ن ا ل ع ز ی ز ا ل ع ل ی م —

(خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ) ۱۷ - مطابق عدد سؤال فوق اخذنا مداخل السّؤال و مداخل عدد مفرداته و مداخل عدد نقطه ثمّ عملنا بطريق الترقّی و المساوات ثمّ اخذنا

(النظائر ينطق بجواب صادق)

(طریق سؤال)

اوّل سؤال را مقطعه بنویسد و جمع کند عدد او را یکسطر بنویسد بعد وسیط مجموعی را بگیرد و در پهلوی عدد جمع اصل بنویسد ملقّب آن عدد حروف علیحده بنویسد بعد حروف استخراج نماید بعد صدر مؤخر نماید نظیره کواکب دهد نظیره بدّوح دهد بعد حروفات را بمطلوب دهد جواب بیرون آید در اینعمل باید خیلی دقّت نماید که اشتباه ننماید اگر اشتباه شود زحمت بهدر رود) سؤال امروز دوشنبه اسمعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه عدد اصل ۲۸۱۷ وسیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۵ نقاط ۹ - ر ا ی ا ض ا د غ ی ن د ا ل س ی ن ق ا ف ه ا م ی م ط ا ی ا صدر مؤخر) ا ز ی ا ا ی ط ض م ا ی د م ب ا ا ه غ ف ی ا ن ق د ن ا ی ل س - نظیره کواکب ا ل ق غ ن ک ث ن ن ث م د ط ن ث ض ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ع غ

(نظیره بدّوح ا ج ش)

ج د ا ج ج ا ک ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ت ا ج ث خ ف ر ج ا د ع

مطلوب) د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ض ج و د د ع غ ش ه د خ ث ص خ د ه ه س

جواب) د و ش ن ب ه ا س م ا ع ی ل ب س ر ه ا د ی ب ه خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د)

دوشنبه اسمعیل پسرهادی به خانهٔ مسیح خاهد آمد —

نظیره النقع — ا ی ن غ ب ک ر —— ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع —— ذ ح ف ض ط ص ظ

(دائره اجش)

ا ج ح ش د ل ه —— ط س ع ق ت س ب
ث و ن ت ک ل م —— خ ذ ص غ ر ص ز ی

طالب	ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	س	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
مطلوب	ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

جفر خافیه) این قاعدهٔ محتاج است به تضعیف بعد از اینکه حروف سؤال را بسط کرده وتکسیر واسقاط وجمع و تنقیص وتخمیص وازدواج وترتیب واخذ نظیره وتعکیس وتقلیب (این قاعده معلوم نمیشود مکرر) مثال سؤال)

هل للبصرة والبغداد وما والاهما آفة فی استقبال الزمان ولو بعد حین) ه ل ل ل ب ص ر ة) الی آخره
۴۰۰ ۲۰ ۹۰ ۲ ۳۰ ۳۰ ۳۰ ۵
بسط حرف کن واعدادش را در تحت بگذار بحروف جمل کر مدخل کبیر نامند — بعد از آن روز سؤال را باحروف مقطعه بنویس چنانچه مانوشتیم) ص پ پ و بعد از ان بنویس کرحال چند ماه ماه است مثلا ۲۷ شهر رجب بلفظ عربی) السابع و العشرین من شهر رجب واعدادش را در تحت بنویس — ال س ا ب ع و ال) تا آخر بعد از آن حروف سائل را باحروف مقطعه واعدادش بنویس چنانچه مانوشتیم

اسم سائل مطهر بود والی خراسان وعدد حروف اسم مکان سؤال را واسم مادر سائل وعدد اسم پدرش وعدد اسم سؤال بنویسی وساعت وقت را مینویسی توضیح اینکه عدد حروف بسط سؤال وعدد حروف اسم استخراج شده وعدد اسم ماه سؤال که ۲ ام ماه است

و عدد اسم سؤال سال که در آن سال سؤال میشود بالفظ عربی که چند مدت است از هجرت گذشته است چنانچه در اوّل = نوشتیم جمع را اینست حصّةٔ واقعی از اعداد اولاً بالذات بعد از آن حساب نمودیم با قاعدهٔ میزانیهٔ حروف که وضع خفضی است اینست جناب حصّهٔ اعداد سابق چهل حروف است ف ر ذ ض الی آخر

۸۰ ۷۰۰۷۰۰۸۰۰۵۰۰۵۰۰۶۰۰۵۰۰۸۰۰۸۰۰۸۰۰۱ ۴۰ ۸ ۷۰۰۶۰۰۷۰۰۶۰۰۵۰۰۵۰۰۷ ۳۰۰۷۰۰۷۰ ۴ ۷ ۸ ۱ ۹۰ ۲ ۸۰

۱۰۰۸۰ ۱۰۰۹ ۵۰۱۰۰ ۶۰ ۵۰۶۰۰ ۵۰۱ استنطاق عدد نموده یعنی حروف هریک در پالیش بنویس بدین قاعده) ف ر ذ ص ل ـــ ی بعد از آن هر حرف را یکدرجه ترقّی بدهی بنظم طبیعی بدین مثال ص ح ض ظ) س س ق س ص ظ ص ب) ن ط خ ط) ع س خ ح) ث ض ض ه) ح ط س ع) ج ص ظ ر) غ ب س د) خ ع ب س) بعد از این یکدر میان باید نوشت مستحفره گویند

ص ض س ق) ص ص ن خ) ع خ ت ض) ح ب ج ظ) غ س خ ب)

و باقی حروف را مستحصله گویند

ح ظ س س) ظ ب ط ض) س ح د ه) ط ع ص ر) ب ذ ع س)

مستحصله فوق

مستحفره

ص س ص ن) ع ت ح ج) غ خ) × ص ق ض خ) خ ض ب ظ) س ب

مستحفره مستحصله مستحصله مستحفره

ح س ظ ط س ض ط ض ب ع ظ س ب ص ح ه ع ر ذ س

بعد از آن چهار سطر هم باین ترتیب بنویس سطر آخر را با اوّل ضم کن و آخر این حروف خارج شود) ص س ب ص ه ه ع ر ذ س

مستحصله مستحفره ص س ص ن ع ت ح ج ع خ بعد از آن چهار سطر نوشتی نظیرهٔ ابجدی بنویس اینست نظیرهٔ ـــــ

م ا ع ل) ت ق ب و) الی آخر بعد از آن منصوب نموده جواب شافی آید) ی ف ت ح ب غ د ا د ب ع د ث ل ا ث م ا ة ع ا م ع ل ا ی ی د ه ل ا ك و ب ق ت ل ع ا م ×

یفتح بغداد بعد ثلاث ماة عام علی ید هلاکو بقتل عام

از هر از انی معلوم شد در مستحصله مستحفره آسانست اصل در آن اعداد است که حروف سؤال را حصّهٔ نموده چهل حرف استخراج نموده

(وقت طالع) پس از سؤال اوتاد ابجد را می‌نویسند بعد از
آن اوتاد برج قمر را نویسند و بعد از آن برج شمس را نویسند
مثلاً امروز ۲۴ ماه است و منزل قمر ثور است باید نوشت
و منزل شمس سرطان است باید نوشت این شش منزل که
چهار مش اوتاد اربعه است - و دو تا منزل شمس است و مراتب را
باید نوشت بعد از آن چندم ماه است مثلاً ۲۴ است دک نوشت
بعد از آن چه روز است مثلاً یکشنبه است د) و سال هجرت پیغمبر
اکرم صلّی الله علیه و آله مثلاً ۱۳۹۷ = ز ط ش غ بنویسند و شخص سائل
باید ۱۴ قاعده را مراعات نماید اگرچه ۲۸ قاعده است لیکن ۱۴ قاعده
مندرج است بنوعیکه بعد از استحضار بمطالب و مدارج و مراتب
مشخص میشود (قاعده)
اوّل باید شخص سائل این قاعده را بداند که حساب جُمل بر پنج نوع
است یکی جُمل کبیر است مثلاً الف $\frac{1}{1}$ ي $\frac{10}{}$ ق $\frac{100}{}$ غ $\frac{1000}{}$ جُمل وسیط ایقغ
از الوف جات از مآت به عشرات و از عشرات به آحاد بیاوری

از هزار یکی از صد یکی و از ده یکی آحاد بر قرار) جُمل اوسط
ای ق ا غ) جُمل صغیر الف را یک ی را ده ق را صد و غ را هزار
حساب کردی ۹-۹ طرح کنی هرچه از ۹ کمتر آید بگیری آنرا جُمل صغیر
این چهار مسئله در جمیع کارها بکار آید والسّلام
توضیح درباره چگونگی مستحصله چند طریق در این علم شریف بیان
شده است این یک طریقی است که بیان خواهد شد انشاء الله تعالی
در بیان حروف مستحصله دقیقه بعد از مداخل ار بعد سؤال را
حرف کرده خواهی که مستحصله حاصل کنی ـ یک حرف از آخر و یکحرف
از اوّل و باز یکحرف از آخر و یکحرف از اوّل که قد در خانه اوّل بنویسی
که یکی جزو گویند دوم حرف سطر سوّم حرف صفحه چهارم حرف خانه
بدین ترتیب ح م ی م (جزو م) سطر ح) (صفحه ی) خانه م) الی آخر
حروف سؤال هر قدر باشد چهار چهار نویسی یکی از حروف در
خانه آتش واقع شود که خانه اوّل است دوّم باد سوّم آب
چهارم خاک بعد از آن بقاعده بدوح یکی که عمل قاعده جفر جامع

عبارت از اوست از این حروف چهارگانه که بعد از نقطه و صدر و مؤخر که هر چهار حرف در خانهای مذکور عناصر اربعه نوشته مستحصله حاصل کنی

آتشی — بادی

اه ط م ف ش ذ) ب و ی ن ص ت ض

آبی — خاکی

ج ز ک س ق ث ظ) د ح ل ع ر خ غ

ترفع — ترقی

ب د و ح ی ل ن — ع ص ر ت خ ض غ

ا	ب	ج	د	ه	د	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۴	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۲	۱۳	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴

ک م ز ل د ی ن — وسیط مجموعی — وسیط — صغیر — جمع

۱۸۶ — ۲۴ — ۱۵ — ۶ — ۳۱

د ف ق — دک — ه ی — و — ال

تقریر مهم در کتابی دیده شده نوشته بود طریقه گویند یکی از طرق ناطقهٔ جفریه (این طریقه است) که حروف سؤال را نوشته و وضع مکررات نموده و خلاصهٔ حروف را ملاحظه نماید که چند حرف است و کسورات همان حروف را که بمنزلهٔ مستحصله است نوشته و مکررات حروف کسور را نیز وضع نماید و ملاحظه نموده که بعد از وضع مکررات کسور چند حرف باقی مانده را مرتب نوشته تأمل نماید که چه عبارت بیرون میآید از او که آن جواب و سؤال تو خواهد بود و بمنزلهٔ وحی است هرگاه عمل کنی

(از دایرهٔ ابجد)

زمام گرفته شود یعنی یک در میان حرف اخذ شود صورت دایرهٔ اجهزی تشکیل میشود

ا ج ه ز ط ک م — س ف ق ش ث ذ ظ

ب د و ح ی ل ن — ع ص ر ت خ ض غ

و زمام دایرهٔ اجهزی دایرهٔ اهطی است

اه ط م ف ش ذ — ج ل ش د م ت ه

ج ز ک س ق خ ظ — ذ ح ف ض ط ص ظ

قاعدهٔ حروف اول مراتب از آحاد و عشرات و مآت

(قاعدهٔ سؤال از جفر جامع)

از کلام مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام)

از قاعده محمود دهدار وطریقه او و آنست که چون خواهند جواب بیاید باید ـ ۲۸ عمل در حروف سؤال بشود تا آنکه حروف سؤال ناطق شود و ان ۲۸ عمل بترتیب ذکر میشود ان شاء الله تعالی) اول بسط سؤال یعنی سؤال را بحروف مقطعه باید نوشت حرف حرف دوم جمع کردن عدد آن حروف بعدد ابجد کبیر و جمع آنعدد را مدخل کبیر مجموعی مینامند سوم آنست که آنجمع که از حروف حاصل شده و آن مدخل وسیط مجموعی مینامند سه مدخل دیگر از آن درست کنند تا جمع مداخل اربعه مینامند و ضابطه او و آنست که سه مدخل دیگر را باین روش باید گرفت که آحاد آنها را با الوف جمع کنند یعنی تنزل مرتبه الوف به آحاد دهد و عشرات را با مآت بعد نوشت مثلاً مدخل کبیر مجموعی ۱۲۲۵ بوده است هزار را با پنج جمع کردیم شش شد بعد از آن بیست بود عقب شش نوشتیم بعد از آن دویست بود عقب بیست نوشتیم چنین شد ۲۲۶ بعد از آن شش را با مآت جمع کردیم یعنی تنزل مآت با آحاد که ـ ۸ ـ شده آنرا نوشتیم بعد از آن هم بیست را نوشتیم بیست و هشت شده ـ ۲۸ ـ این مدخل سوم را

و الوف در دائرهٔ ابجد اخذ شود دایره ایقغ تشکیل میابد یعنی بعد از اینکه

ا ی ق غ ب ك ر ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

حرف اوّل دائرهٔ ابجد گرفته شد بعد باید حرف دهم آنرا اخذ نمود تا دور تمام شود مثلاً الف اوّل دائرهٔ ابجد است یادهم قاف صدم و غین هزارم است ـ وهکذا

(قال الامام الباقر علیه السلام)

اهطمفشذ نادیة ـ بو نیصتض قسط الهوی جز
کسعثظ مانیة دحلعرخغ سهم الثری

خواستم بوسه ز سیمی که چو در قهقهه سین
بشماری که فقط بر زبر شین باشد
گفت تلذان کنش تا نبود بر تو حرام
این قراری است که در مذهب یاسین باشد

کتبه محمد عطائی ۱۴۰۰ سنه هجری قمری رحمت الله علیه

مدخل وسیط مینامند که حاصل شده از مدخل وسیط مجموعی
کردو می باشد یك مدخل دیگر که مدخل صغیر گویند باید درست
کرده واو اینست که هشت را با دو جمع کرده میشود (۱۰) پس مدخل
چهارم که مدخل صغیر بوده (۱۰) شد عمل چهارم از ۲۸ عمل ما
آنست که عددهای مداخل اربعه را باید استنطاق کرد
عمل پنجم آنست که آنحروف را که از مداخل اربعه حاصل شده
استنطاق کردیم آنرا ملفوظی و ملبوبی و مسروری باید کرد
یعنی دو حرفی و سه حرفی را باید بحرف نوشت مثلاً (۱۱) ۱۷
الف ولام و فا باید نوشت وقس علیهذا
عمل ششم آنست که بعد از ملفوظی جمع باید تاریخ را مثل
روز یا شب یا ماه و سال هجرت را مثل آنکه مینویسیم سؤال
را در روز دوشنبه بیست نهم ماه شعبان المعظم هزار و
دویست و چهل و هشتم هجرت و یکی از دقائق این عمل آنست
که طالع وقت را هم باید نوشت یعنی برجیکه در آن ساعت
طالع است و کوکب که آن برج خانه اوست باید نوشت

مثل ساعت اول روز دوشنبه بوده که سؤال را نوشتیم
حساب کردیم آفتاب در برج جدی بوده و جدی خانه زحل است
پس زحل را نوشتیم = عمل هفتم = آنست که آن حروف را بتدبیر
مثل حروف سؤال بکنند در عدد که بهر قدری که حروف سؤال است
حروف اساس نیز بهمان عدد بشود و حروف اساس آنحروف را
گویند که از مداخل اربعه و از تاریخ بهم رسیده باشد =
عمل هشتم = آنست که این حروف اساس را نظیره کند و نظیره آنست
که حرف پانزدهم ابجد را باید نوشت
عمل نهم آنست که این حروف نظیره کرده را صدر مؤخر باید کرد که آنرا
تکسیر گویند عمل دهم آنست که این حروف تکسیر کرده را مستحصله
باید کرد و قاعده آن این است که محتاج است بچهار دایره که
ترتیب داده میشود که مراتب دوائر آنست که اول ابجد دوم ابتث
سوم اهطم چهارم ایقغ و یکی دیگر که محتاج الیه است در مستحصله
طرح است و طروح ما چهار است
طرح ابجد - که ۲۸ - ۲۸ میباشد که مراد طرح حروف است
طرح ابتث - که ۱۲ - ۱۲ میباشد که مراد طرح بروج است

طرح کواکب - که ۲-۷ میباشد که مراد طرح کواکب است -
طرح ایقغ - که مراد طرح عناصر است آن طرح چهار است

پس معلوم شد که عملی که در مستحصله باید بشود چهار دائره است
و چهار طرح که هشت میشود و هشت و نه عمل که در اساسی شد هفده
میشود و یازده عمل دیگر آن مانده است که اول باید میزانی حاصل
شود که هر یک از حروف خانه را یکی از آن حروف میزان بسنجیم -
یعنی عدد آنرا ضم کنیم و میزان عبارتست از آنکه یکحرف از بسط
سؤال برداریم و یکی از مداخل اربعه و یکی از طالع وقت و یکی
از تاریخ هجرت مجموع عمل در حروف میزان باشد تا جواب در آید
و مرتب آن اینست یعنی مدخل کبیر مجموعی حرفی برداریم
باین طریق که بلا مرتبه نموده حروفرا دوم از مداخل ار بعه حرفی برداریم
بدینطریق که بلا مرتبه نموده مراتب مداخل را - سوم طالع وقت را که
در عمل ششم توضیح دادیم نیز بلا مرتبه باید نوشت چهارم تاریخ هجرت
را بلا مرتبه باید کرد - و بلا مرتبه آنست که آحاد و عشرات و مآت و الوف
همه را باید آحاد حساب کرد مثلا (ایقغ را چهار حساب میکنیم
بر میزان حروف آن معلوم شد برای مستحصله پس هیجده عمل

در مستحصله شد: ۸ دائره - ده و طرح و ده اساس و میزان سیزده
عمل دیگر باقی مانده از بلیث و هشت عمل و آن ده عمل مراد از
مرتبه و درجه و عدد سطور و صفحه و خانه است و چهار از عمل
عدد سطر و صفحه و جزء و خانه است و عدد آن اینست که حرف
اول یکی است دوم سه سیم شش و عمل نوزدهم است که
دائره ا هطم را مینویسیم در عدد سباعی در رباعی که چهار سطر
حاصل شود سطر اول مرتبه اول - اهطم فش ذ سطر دوم
مرتبه دوم ب وی ن ص ت ض سطر سوم مرتبه سوم
ج ز ک س ق ث ظ سطر چهارم مرتبه چهارم د ح ل ع ص خ غ
و مراد از دور عدد از این دائره آنست که هر عدد یرا در سطری
مرتبه باید قرار داد
حرف اول خانه را از سطر اول - اهطم ف ش ذ
حرف دوم خانه را از سطر دوم - ب وی ن ص ت ض
حرف سوم خانه را از سطر سوم - ج ز ک س ق ث ظ
حرف چهارم خانه را از سطر چهارم - د ح ل ع ر خ غ
باید گرفته شود و اگر مرتبه حروف از این قسم درست نشود باید
مرتبه او را گرفت بهم در جه شدن آن مطلوب گرفتن و مطلوب گرفتن
است که سطر آحاد را با سطر مآت که مراد آنست که سطر

اح طم ف ش ذ - مطلوبش - ج ز ک ص ق ث ظ است
وسط عشرات که - ب و ی ق ص ت ض میباشد
مطلوبش — د ح ل غ ر خ غ است
و عکس آن — پس چهار عمل دیگر باقی مانده از ۲۸ عمل
واز ده عمل که شش در دائرهٔ ابجد بوده که مراد دائرهٔ اهطم
باشد وچهار عمل دیگر از ۲۸ عمل را باید از دائرهٔ (ایقغ)
که مراد دایرهٔ ایقغ باشد باید درجهٔ حروف از درست وآن
دائرهٔ از الف تا طا باید نوشت ویا را تا صاد باید نوشت
وقاف را تا ظا ومیزان آن دایرهٔ (هنشغ) باید قرار داد
وحرفی را که بعد از طرح و عدد میزان و عدد سطر و صغره و خانه
بر روی هم گذارد حرفی که حاصل شد ترقی وتنزل ومساوات
در این دائره بدهد وهرگاه باز درست نشد عکس آن را گرفته
هر حرفی که بشود بنویسید وترقی وتنزل قاعده اش آنست که
در دایرهٔ - ایقغ از آحاد بر روی عشرات روی بعشرات رفتن
ترقی است واز مآت روی بآحاد آمدن تنزل است میزان

که (هنشغ) باشد از آحاد روی بعشرات و مآت و الوف ترفع
است. و از الوف روی باحاد آمدن مساوات است وعکس
گرفتن آن عبارت است از انکه حرفی که در سطر آحاد است نی
بیند درچندم طرف میزان است (تمام شد) آنطرف دیگر مقابل
آن حرف را میگیرند ومینویسند (تمام شد قاعدهٔ سؤال وجواب
از جفر جامع از قاعده محمود دهدار
و آن شش عمل که در دایرهٔ اهطم است که چهار مرتبه و دو دیگر
ازدواج طالب ازدواج وافراد طالب افراد

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

ا	ی	ق	غ
ب	ه	ک	ن
ر	ث	د	م
ج	ل	ش	و
س	ع	ف	ت
خ	ز	ع	ذ
ض	ط	ص	ظ

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
				غ				

قسمتی حروف مساوات

حروف ترفع با اعداد آن

ب	۱۱۰
د	۵۸
و	۲۴
ح	۱۶
ی	۲۴
ل	۳۵
ن	۱۱۰

حروف ترقی

ع	۱۴۰
ص	۱۶۰
ر	۴۰۰
ت	۸۰۰
خ	۱۲۰۰
ض	۱۶۰۰
غ	۲۰۰۰

حروف تنزل

س	۱۲۰
ف	۱۶۰
ق	۲۰۰
ش	۶۰۰
ث	۱۰۰۰
ذ	۱۴۰۰
ظ	۱۸۰

حروف مساوات

ا	۲
ج	۴
ه	۶
ز	۸
ط	۱۰
ک	۳۰
م	۵۰

در اوائل جفر خافیه حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام میفرماید — یا عبد عندَ کلّ الحروف خزاینی فاذا دخلت علی خزاینی لا تخبر احداً مانّك دخلت خزاینی والّا فانت خاینُ علمی حقیقی است در سینه بود — درسی نبود هرآنچه در سینه بود

یک قاعده جفر است بقاعده عربی

و هذا هذه سئال الزایرجه) سَئلنا هذا السّؤال) هَل محمّد یقعنی طلبی ام لا) وکان یوم الاحد عشرة من شهر العربی والشّمس لسع درجات من برج الثور وکان ربّ السّاعة القمر؛ ثمّ ضربنا تحت الرّمل واخذنا حروفه وهی : د ر ن ظ ع م د ر س ل ع س ز ث غ ج ق هـ ش اف اف م د ر) وکان العمل هکذا

عدد

۱۱۷۰ جملة السّؤال

۹۷۹م جملة حروف تحت الرمل

۳۷۱ جملة اسم ربّ السّاعة

۴۴ جملة الیوم

۴۹ جملة درج الشّمس من اوّل الحمل

۱۰ جملة الماضی من شهر العربی

۵۶۱۳ المجیع

والباقی بعد القسمة علی ۱۲ هو ۱۳ نزلنا به فی مفتاح المثلّث الاوّل والیك صورة الاوفاق المجسد و المحصلة صفحه بعد

سوم		
۱۲	۱۷	۱۰
۱۱	۱۳	۱۵
۱۶	۹	۱۴

دوم		
۱۲	۱۷	۱۰
۱۱	۱۳	۱۵
۱۶	۹	۱۴

اول		
۱۶	۲۱	۱۴
۱۵	۱۷	۱۹
۲۰	۱۴	۱۸

مُستحصله		
۵۲	۷۷	۴۲
۴۷	۵۷	۶۷
۷۲	۳۷	۶۲

خامس		
۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

رابع		
۸	۱۳	۱۴
۷	۹	۱۱
۱۲	۵	۱۰

۱۷۱

واعلم انّ نزول الاوفاق موضوعٌ فی شرح الزایرجه)

وایضاً طریقة الاسقاط و الیک سطر الباقی للمتحصّل ای

باقی الاسقاطات و تحته وتره المنسوب الیه وهو وترٌ ۱۳

ومن جمعهم یکون الجواب ۲۲۱۱ ۲۷۶۶ ۲۱۱ ۲۵ ۴ ۷ ۳ ۲۲ ۹ ۳ ۱ ۲۲

الوتر ۸۲۰۱۶۲۶۱۲۸۹۲۲۵۱۱۷۲۷۱۹۴۶۴۲۴۱۷۲۱۱۴

(الجواب) س ت ق ض ی ل ک ک ل ا ل م ط ا ل ب ی ا ف ت ی

(ستقضی لک کلاً للمطالب یافتی)

(سؤال از علم اکسیر)

ی ا ع ل ی م ا ک س ی ح ه ج ی ز ا س ت

یا علیم اکسیر چه چیز است

نقاط	عدد حروف	طرح زکلی	عدد وسیط	بلا مرتبه	عدد کبیر
۱۳	۱۸	۱	۹۱	۵۵	۹۰۱

نظیره ابجدی — حروف غیر مکرره

ص ض ج م ف غ ر د ح ی ع م | ا ج ی ح — ص و ن ه — ظ ف ل ا

مستحصله) ح و ت ا س ج ا ص ف ر ا غ

صدر مؤخر

غ ج ا و ر ت ف ا ص س ا ع

نظیره ابجدی

ن ف س ر و ح ج س د ا س ت

جواب) نفس روح جسد است

قاعده) بعد از آنکه سؤال را از اسماء الله کردی پس مجموع
را مقطع بنویس اصول خمسه پس ترقّی بده حروف ترقّی را و ترفع
ده حروف ترفع را و تنزّل ده حروف تنزّل را و واگذار حروف
مُساوات را بحال خود بعینه نقل کن پس مطلوب هریک را در پایش
بنویس نظیره ابجدی بگیر پس چهار سطر حاصل شود آنگاه خالص
کن و مزج ده پس مسروری و مکتوبی و ملفوظی را جدا بکن.
مبسوط بدا و پیوسته حروف برچین از هریک و خالص کن و مزج
ده و بروج نفس جسمش را زنده کن و در تکسیر با وی سخن
کن ناطق میآید اصول خمسه جمع کبیر جمع وسیط جمع صغیر عدد
حروف عدد نقاط و حروف ملفوظی این است
ا ج د ک س ع ص ق ش ذ ض مکتوبی اوّل عین آخر م ن
و حروف مسروری) ب هو ط ظ ح خ ی ف ث ر ز ت —
و دوایر پیوسته بدین طراز است طرح اوّل عناصری ۴-۴ طرح
کواکبی ۷-۷ طرح افلاکی ۹-۹ طرح بروجی ۱۲-۱۲ طرح

منازلی ۲۸-۲۸ - طرح درجات ۳۰-۳۰ آنچه زوج است حروف
غیر مکرّره جسم مجموع مکرّر و غیر مکرّر حروف ترفع بدوح یلن
چون ترفع دهیم) و ح ی ل ن ع ص حروف ترقّی ع ص ر ت
خ ض غ چون ترقّی دهیم ص ر ت خ ض غ ظ حروف ۲ تنزّل
ظ ذ ث ش ق ف س چون تنزّل دهیم ذ ث ش ت ف س م
حروف مُساوات) م ک ط ز ه ج ا چون مُساوات دهیم م ک ط
ز ه ج ا حروف النّار الطالب ا ه ط م ف ش ذ حروف الهواء
المطلوب) ب و ی ن ص ت ض حروف الماء الطالب ح ز
ک س ق ث ظ حروف التّراب المطلوب د ح ل ع ر خ غ
ترقّی با ترفع هم تنزّل با مُساوات تقسیم چارکن بر حرف خود را
بجای خود گذار از بهر درمان = چنان قسمت اگر دانی ز خارج
اگر دانی ز اهل قسمت آن = تو بدّوح بین راده ترفع =
عصر تخضع ترقّی ده دو چند ان = تنزّل ظا و ذال و ثا و شقفس
مساوات اجهز طاکم داخل آن چو دانستی
سؤال هرچه خواهی کن بشنو جواب خود تو آسان

قاعدهٔ سؤال — این المهدی - عجل الله فرجه الشریف

عدد مدخل کبیر — عدد وسیط مجموعی - وسیط - صغیر

۱۵۲	۲۵	۱۶ -	۷
ان ق	ه ک	و ی	ز

الحروف المستخرجه من الاعداد السؤال

ان ق ه ک و ی ز

النظیره الابجدیه ش غ ه ق ذ ز خ ش

القواء خ ی ن غ ع ب ش ج

ایضا نظیره ی خ غ ق ب غ ا ف

المرکب الجواب غ ا ی ب ع ن خ ف

غایبٌ عَنْ خَفٍ

(سؤال) یا رب کیف یمضی عواقب هذه السنه الآتیه پارسی، نیل من جهة اهل الایران من الخیر و الشر و النفع و الضرر

مدخل کبیر	وسیط مجموعی	وسیط کبیر	صغیر
۲۱۳۳	۴۵۵	۷۱۶	۵
ج ک ق ز غ	ه ن ت	و ی ذ	ه

الحروفات عدد السؤال هکذا

ج ک ق ز غ ه ن ت و ی ذ ه

نظیره ف ض ه ش ن ق غ ح ر خ ک ق

القوی ض ح ث ج و غ ق ع ک س ر غ

نظیره ل ث ح ل ر ن ه ب ذ ا و ن

المرکب د ل ا ف ر ح ب ه ذ س ن ت

الجواب

ولا فرح بهذه السنه

ای ق غ ب ک ز ج ل ش د م ت ه

ن ث و س غ ز ع ذ ج ف ض ط ص ظ

الیضاً سؤال

کیف یمضی هذه السّنه الاتیه لکلّ الخلایق الّا یان

مدخل کبیر	وسیط مجموعی	وسیط کبیر	صغیر
۲۸۱۴	۱۱۵	۳۸۵	۷
ک ی ض ج غ	ه ی ق	ه ف ش	ز

حروف الوّل د ی ض ج غ ه ی ق ه ف ش ز

نظیره ص غ ل ف ن ق خ ه ق ج ز ش

قوی ظ س ج ض ه غ د ث ی ل ع ج

نظیره م ا ف ل ق ن ر ح خ ض ب ق

مرکب ل ا ف ر ح م ن خ ف ق ب ض

لا فرح من خفّ قبض

النظیرة الابجدیه

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

در تسخیر ج ن) اِذ قَالَ رَبُّکَ لِلمَلآئِکَهِ اِنّی جاعِلٌ فِی الاَرضِ خَلِیفَةً قالُوا اَتَجعَلُ فِیها مَن یُفسِدُ فِیها وَیَسفِکُ الدِّمآءَ وَنَحنُ نُسَبِّحُ بِحَمدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ قالَ اِنّی اَعلَمُ ما لا تَعلَمُونَ ـــ

بعد از طهارت کامل در شب جمعه شروع نماید تا ده شب هر شب ده نوبت آیه فوق را بخواند ـــ و ده شب دیگر هر شبی ۱۶۰ صد و شصت مرتبه بخواند و ده شب دیگر هر شبی ۳۵۰ سیصد و پنجاه مرتبه بخواند تا شب چهلم روز چهلم بصحرا رود در کنار آب روان بنشیند و بخواند حاضر خواهند شد (بجهة احضار روحانیت و جانین)

اسم مبارک الله را که عددش ۶۶ میباشد مانند مثلّث ذیل درج کند و مثلّث را در مقابل روی خود و تعبله بگذارد در سر روز روزه بگیرد و ترک حیوانی نماید و بعد از افطار دعای بخورات کند اسپند سندروس لادن حسن لبان مشک در آتش بسوزاند ۱۲ هزار مرتبه با ترجمه و حضور قلب بخواند (اللّه هو) شب اول قدری سنگین میشود شب دوم ذره مرحی میشود شب سوم در عالم شهود کاملاً با آنها تکلم مینماید و در خواب دیدن در شب ۱۴ ماه م در کف دست نوشته را بگذارد زیر سر و تعبله بخوابد

کَذلِکَ نُرِی اِبراهِیمَ مَلَکُوتَ السَّماواتِ وَالاَرضِ وَلِیَکُونَ مِنَ المُوقِنِینَ

شخص بزرگی میفرمایند قریب سی سال مشغول ذکر گردیدم بهر کسی
میرسیدم ذکر مجرب و کافی طلب مینمودم - روزی در جمع خدمت
فقیری رسیدم و با او مشغول صحبت شدم اسمش اسدالله مسمی
حضرت شاه اولیاء علیه السلام و از سلاله دودمان مصطفوی علیه السلام
فقیری با صدق و صفا درویش با محبت و وفا سالک مسالک سبیل اللهی
و از پیروان سلسله جلیله نعمت اللهی خدمت استادان ما قبل رسیده
و مرشدان کامل عیار دیده و ریاضت ها کشیده و باطراف و اکناف
عالم تا حدود خوارزم و چین و ماچین گردیده دست ارادت خدمت مرحوم
مبرور نور علیشاه نورالله مضجعه داده - دیدم عجب مرشدی و نیک
استادی است طوق انقیادش بگردن انداختم و کمر اطاعت بر میان
بستم و دامن خدمتش بر کمر بستم استدعای ذکری در چاره مطلبی
از او کردم وعده کرد دو روز بعد از آن دستخطی نوشته برایم
فرستادند نوشته بود که در شب جمعه نصف شب اول یکصد مرتبه
صلوات بفرستد بعد یکصد مرتبه (یا وهاب) بگوید بعد دوباره یکصد
مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن یکصد و ده بار این ذکر را بخواند
یا قاهِرَ العَدُوِّ و یا والِیَ الوَلِیِّ یا مَظهَرَ العَجائِبِ یا مُرتَضی عَلی اما باید
دستها را تا مرفق بالا نموده و دستها را بلند نماید تا سه شب ادامه دهد
یا در خواب یا در بیداری راه چاره را میگویند والسلام .

قاعده چنان است سؤال را بعربی نوشته و مداخل اربعه
گرفت و اعداد مداخل اربعه را حروف نموده و بر نام کشیده
و بعداً نظیره ابجدی هر حرف را در تحت آن حروف نوشته
تا آنکه نظایر حروف مرقوم شود و بعد رجوع بدایر قوای
حروف نموده مطلوب هر حرف حاصل را در زیر آن حروف
مرقوم داشته و بعد ثانیاً نظیره ابجدی آن حروفات قرار
گرفته و حروفات مرکب نموده که جواب حاصل است —

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

اولاً باید مطلب را مختصراً بطور سؤال نوشت و بقاعده
اعداد ابجد کبیر سؤال را باید عدد گرفت ابجد کبیر بالا است

سُؤال ما بطور اختصار این است (امام زمان کیست)
بحساب ابجد سُؤال را عدد گرفتیم ۶۷۰ شد باصطلاح این
علم این عدد مدخل کبیر است بعد باید حروف سؤال را تمام
ردّ بآحاد نمود از عشرات و مأت و الوف مثلاً الف را یك و
میم را ۴ و کاف را ۲ و ش را ۳ و غین را یك باید گرفت —
حروف سؤال را باین قاعده عدد گرفتیم ۴۰ شد این مدخل
وسیط مجموعی است بعد باید حاصل جمع کلّ سؤال که همان
مدخل کبیر باشد الوف آنرا رد بمأت و مأت آنرا رد
بعشرات و عشرات آنرا رد بآحاد و آحاد آن همان آحاد
باشد حساب نمود تا مدخل وسیط کبیر بدست آید مدخل کبیر
ما ۶۷۰ بود باین قاعده مدخل وسیط کبیر ما ۶۷ میشود مأت
که ۶۰۰ بود رد بعشرات نمودیم ۶۰ شد و عشرات آن که هفتاد بود
رد بآحاد نمودیم ۷ شد مجموع ۶۷ شد این مدخل وسیط کبیر
است مثلاً اگر مدخل کبیر ما ۶۷۲ بود مدخل وسیط کبیر ما ۶۹ می‌شد

این مثال را زدیم برای آنکه اگر مدخل کبیر آحاد هم داشته
باشد باید حساب نمود و اینطور عمل کرد —
بعد باید مدخل و سیط مجموعی را رد بآحاد نمود تا مدخل صغیر
بدست بیاید - مدخل وسیط مجموعی ۴۰ بود رد بآحاد نمودیم
۴ شد اگر ۴۱ بود ۵ می‌شد قاعدهٔ پیدا کردن این چهار مدخل
این بود که نموده شد بعد باید عددها را حرف نمود بقاعدهٔ ابجد
باین قسم که ما نوشته ایم

مدخل کبیر	مدخل وسیط مجموع	مدخل وسیط کبیر	مدخل صغیر
۶۲۰	۴۰	۶۷	۴
ع خ	م	زس	د

حروف این چهار مدخل را جمع نمودیم این شد ع خ م ز س د
بعد باید بسط ملفوظی نمود و قاعده این است که حروف را بطوریکه
تلفظ میشود باید نوشت مثلاً ع را عین باید نوشت ما حروف مدخل
ها را بسط ملفوظی نمودیم چنین شد) ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن
دال — این سطر که سطر اوّل است سطر اساس گویند باصطلاح
این علم سطر دُوّم سطر نظیره است و عمل آن چنین است که حروف

سطر اساس که سطر اول باشد بدایرهٔ ابجد ببرند و نظیرهٔ بگیرند
ودایرهٔ ابجد این است که نوشته میشود در دو سطر قاعده نظیرهٔ
گرفتن است که هر حرفی حرف پانزدهم آن نظیرهٔ آن حرف است مثلاً
الف سین است و نظیرهٔ ب عین است و همینطور تا آخر نظیرهٔ ن) غین است

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

سطر اساس که سطر اول سؤال بود بدایرهٔ ابجد نظیره گرفتیم
این شد

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	غ	غ	ی	س	ذ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	خ	ص	ر	ض

سطر سوم نسبت بین الحروف است و قاعده چنان است که کلیهٔ
حرفهائی که در سطر اساس نوشته شده رد بآحاد نمایند آنگاه
حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه
از مراتب خود انداخته و بآحاد رد نمود - اگر عدد این دو حرف

باهم متباین باشند یکی را در دیگری ضرب نمایند واگر باهم متداخل
باشند اکتفا باقل عدد بکنند و اگر باهم متوافق باشند وفق یکی را در
دیگری ضرب نمایند و اگر باهم متماثل اند اکتفا بر احد عددین بکنند
و آنچه عدد از احد اقسام اربعه حاصل میشود زیر حرف اول
سطر اساس بهندسه بنویسید یعنی در خانهٔ اول سطر سوم ـــ
پس آنگاه حرف دوم سطر اساس را با حرف سوم سطر اساس
ملاحظه نماید و از نسبت بین آنها آنچه عدد حاصل میشود در خانهٔ
دوم سطر سوم بنویسید پس حرف سوم سطر اساس را با حرف چهارم
سطر اساس ملاحظه نماید حاصل آنرا در خانه سوم سطر سوم بنویسید
پس حرف چهارم سطر اساس را با حرف پنجم سطر اساس ملاحظه نماید
حاصل را در خانهٔ چهارم سطر سوم بنویسید در آخر سطر یک حرفی ماند
که حرف آخر سطر است آن حرف را با حرف اول سطر اساس ملاحظه
نماید و حاصل را در خانهٔ آخر سطر سوم بنویسید
و بجهت آسانی مطلب برای پیدا کردن نسبت بین الحروف را
بجدول زیر صفحه میتوان بدست آورد و قاعده آنست که حرف اول سطر
اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه رد بآحاد نماید

خانهٔ منتهاالیه افقی و عمودی حاصل آنست آن عدد را بردارد
مثلاً حرف اول سطر اساس (ع) و حرف دوم (ی) بود در جدول
سطر هفتم افقی و سطر اول عمودی حاصل ۷ بود در خانهٔ اول سطر
سوم می نویسیم همچنین حرف دوم سطر اساس (ی) بود و حرف سوم
سطر اساس (ن) در جدول سطر اول افقی مطابق سطر پنجم عمودی
حاصل ۵ بود در خانهٔ دوم سطر سوم می نویسیم و جدول حاصل نسبت
بین الحروف این است

	ا	ب	ج	د	ه	د	ز	ح	ط
ا	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩
ب	٢	٢	٦	٢	١٠	٣	١٤	٤	١٨
ج	٣	٦	٣	١٢	١٥	٣	٢١	٢٤	٣
د	٤	٢	١٢	٤	٢٠	٦	٢٨	٢	٤٦
ه	٥	١٠	١٥	٢٠	٥	٣٠	٣٥	٤٠	٤٥
و	٦	٣	٣	٦	٣٠	٦	٤٢	١٢	٦
ز	٧	١٤	٢١	٢٨	٣٥	٤٢	٧	٥٦	٦٣
ح	٨	٤	٢٤	٤	٤٠	١٢	٥٦	٨	٧٢
ط	٩	١٨	٣	٣٦	٤٥	٦	٦٣	٧٢	٩

سطر چهارم آنستکه حروف سطر نظیره را کر سطر دوم باشد با یکدیگر
نسبت داده و حاصل نسبت را بنویسید بطریقیکه در سطر اساس
گذشت مطابق جدول عمل نماید از تباین و تداخل و توافق و تماثل
مثلاً حرف اول سطر نظیره ب و حرف دوم خ است خ را در ب آحاد
مینمائیم ۶ میشود - در جدول سطر دوم افقی مطابق سطر ششم
عمودی عدد ۳ نوشته شده در اول سطر چهارم ۳ مینویسیم حرف
دوم سطر نظیره غ و حرف سوم غ است در جدول در سطر ششم
افقی مطابق سطر اول عمودی عدد ۹ نوشته شده در سطر چهارم
خانهٔ دوم ۶ مینویسیم همچنین الی آخر - و حرف آخر سطر نظیره ض
و حرف اول نظیره ب است در سطر هشتم عمودی جدول مطابق
سطر دوم افقی یا بعکس در سطر دوم افقی مطابق سطر هشتم عمودی
عدد ۴ است در خانهٔ آخر سطر چهارم عدد ۴ مینویسیم و ما بجهت
روشن بودن مثال پیدایش سطر سوم و چهارم را مینویسیم تا واضح شود

١	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
٢	سطر نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
٣	حاصل نسبت	٧	٥	٣٠	٦	٤	٤	٤	٢٨	٧	٦	٦	٥	٢٠	٤	٣	٢١
٤	حاصل نظیره	٣	٦	١	٦	٦	٦	٦	٣	٣	٦	٦	٦	٩	٦	٢٠	٤

سطر پنجم آنستکه سطر حاصل از نسبت اساس که سطر سوم باشد با سطر حاصل از نسبت نظیره که سطر چهارم باشد ملاحظه نموده عدد اقل هریك از این دو سطر را از عدد اکثر طرح نماید آنچه باقی ماند زیر آن در سطر پنجم بنویسید در واقع خانهٔ اول سطر سوم را با خانهٔ اول سطر چهارم بد ببیند هر کدام عددش کمتر است از آنکه عددش زیادتر است تفریق کند باقی مانده را زیر همان خانه در سطر پنجم بنویسید هم چنین تمام خانه‌ها را عمل کند تا سطر تمام شود و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد هر دو عدد را جمع کند و حاصل جمع را بنویسید و این سطر که سطر پنجم است سطر تتمّه گویند ———

سطر ششم به قاعدهٔ آنستکه حرف اول سطر اساس را با حرف زیر آن که اول سطر نظیره باشد ملاحظه نموده و با یکدیگر نسبت دهد مثل سطر سوّم و چهارم مطابق جدول عمل نمایند مثلاً حرف اول سطر اساس که ع بود در حرف اول سطر نظیره که ب بود نسبت دادیم مطابق جدول حاصل نسبت آنها که ۱۴ شد در اول سطر ششم نوشتیم و ما بقی خانه‌ها را بهمین طریق عمل نماید ———

سطر هفتم آنستکه آنچه عدد در خانهٔ دوّم سطر ششم است در خانهٔ اوّل سطر هفتم نولیسد و آنچه عدد در خانهٔ سوّم سطر ششم است در خانهٔ سوّم سطر هفتم نولیسد الی آخر سطر و در خانهٔ آخر سطر هفتم عددی که در خانهٔ اول سطر ششم است نولیسد ———

سطر هشتم آنستکه عدد این دو سطر که سطر ششم و سطر هفتم باشد با یکدیگر ملاحظه نماید آنکه کمتر است از آنکه زیادتر است کم نماید و باقی مانده را در این سطر نولیسد و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد با یکدیگر جمع نماید و حاصل جمع را نولیسد پید ایش این سطر مثل سطر پنجم است که شرح آنرا نوشتیم و این سطر را تتمّهٔ ثانیه گویند

سطر نهم ــ قاعده آنستکه همین سطر تتمّهٔ ثانیه را با سطر تتمّهٔ اولی یعنی سطر هشتم را با سطر پنجم ملاحظه نماید عدد اقل را از عدد اکثر طرح نماید یعنی هر کدام کمتر است از آنکه زیادتر است تفریق نماید و مابقی را در سطر نهم بنویسید و هرگاه دو عدد مثل هم باشد باهم جمع نماید و حاصل جمع را بنویسید تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در صفحهٔ مقابل سؤال خود را از سطر اوّل تا سطر نهم می نویسیم که بجهت مُبتدی سرمشق بوده باشد

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ن	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ط	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
۳	سطر حاصل اساس	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
۴	سطر حاصل نظیره	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۱۲	۴
۵	سطر تتمهٔ اولی	۴	۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۴	۱۲	۱۲	۱	۱۱	۲	۹	۱۷
۶	حاصل نسبت نظیره	۱۴	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴
۷	حاصل النسبت دو بیاس	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴	۱۴
۸	سطر تتمهٔ ثانیه	۸	۱	۱	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰
۹	سطر تتمهٔ تتمتین	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۳۰	۲۸	۹	۷

در بیان سطر دهم که سطر حروف دوریه است - و آن چنانست که عدد سطر تتمهٔ از تتمتین را که سطر نهم باشد تبدیل بر حرف نماید و سطر دهم را بنویسد و قاعدهٔ چنانست که آن عدد را ملاحظه نماید اگر تمام است مثل ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و هکذا صد و دویست که حرف آن بحسب مرتبه در

ابجد کبیر هست آن حرف را از ابجد کبیر بردارد و زیر آن بنویسد و اگر بحساب مراتب حروف. حرف بجمل کبیر ابجدی نباشد مثل پانزده و دوازده و سیزده الی نوزده و بیست و یک و بیست و دو و بیست و سه الی بیست و هشت اینجا باید حرف آن عدد را بقاعدهٔ جمل وضعی که ابجد وسیط است بردارد و زیر آن بنویسد و ابجد وضعی که آن را جمل وسیط نیز گویند این است

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

و اگر عدد زیاده از بیست و هشت باشد مثل بیست و نه و سی و یک و سی و دو الی سی و نه و هکذا چهل و یک الی چهل و نه و قس علی هذا که نه در ابجد کبیر و نه در ابجد وضعی پیدا شود آن عدد را باید باین قاعده عمل نماید - عشرات آن را نه نه طرح کند باقی مانده عشرات را با آحاد جمع نماید و به ابجد وضعی برده حروف بگیرد مثلاً بمقتضی عمل مذکور بیست و نه عدد را عشرات آن که بیست است

ده نه طرح مینمائیم یازده میشود دو باقی میماند دو را با نه که آحاد آنست منضم مینمائیم یازده میشود. در ابجد وضعی یازده حرف ک است برمیداریم و مینویسیم مثلاً سی و یک را ۱۰ از سی ۹.۹ طرح مینمائیم سه میماند با یک میشود چهار حرف د را مینویسیم مثلاً سی و دو. از سی پس از طرح ۹.۹ سه میماند با دو جمع میکنیم میشود پنج حرف هـ مینویسیم ما بجهت روشن شدن مطلب سطر نهم این سؤال را تبدیل بحرف مینمائیم بهمین قاعده که ذکر شد و سطر دهم را استخراج مینمائیم این است ـــ

سطر نهم	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۳	۳۰	۲۸	۹	۷
سطر دهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ط	ز

پس از آنکه اعداد که در سطر نهم است بحرف مبدل شد و سطر دهم تنظیم گردید بدانکه هر حرفی را چهار حرف لازم است که آنرا حروف دوریة گویند و آن تنزل و ترقی و ترفع و مساوات آن حرف خواهند بود و آن چنانست که هر حرفی از حروف ابجدی حرف ما قبل آن حرف تنزل آنست و حرف ما بعد آن ترقی آنست و اگر آنحرف بمرتبهٔ آحاد است حروف عشراتیه و مآتیه آن حرف ترفع و مساوات آنحرف خواهند بود ـــ مثلاً حرف (ب) را الف تنزل آن و

جیم ترقی آن ـ ی ـ ر ـ ترفع آن و ک مساوات آنست و دور تمام حروف از این دایره که دایرهٔ ایقغ است معلوم میشود

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
غ								

و این دایره منقسم است بر افلاک تسعه و صورت ظهور حروف از این دایره است که الف مستداخل حرف حاصل اعداد نسبیهٔ بوده باشد ب نجد آن و ترقی آنست و غ علی القاعده در شماره دوری می افتد و تنزل اوست و ی و ق ترفع و مساوات آن خواهند بود و ما بجهت تسهیل حروف ابجد را حرف بحرف جدا جدا دور میدهیم این دور از همین دایره ایقغ بر داشته شده است و اینست ـــ در صفحهٔ مقابل نگارش مییابد ـــ

ذ و ز ح ع	خ ه و ز س	ث د ه و ن	ت ج د ه م	ش ب ج د ل	ر ا ب ج ك	ق غ ا ب ی
ث م ن س ه	ت ل م ن د	ش ك ل م ج	ر ی ك ل ب	ق ط ی ك ا	ظ ح ط ی ص	ض ز ح ط ف
ل ر ش ت ج	ك ق ر ش ب	غ ص ق ر ی	ظ ف ص ق ط	ض ع ف ص ح	ذ س ع ف ز	خ ن س ع و
ق ظ غ ا ی	ص ض ظ غ ط	ف ذ ض ظ ح	ع خ ذ ض ز	س ث خ ذ و	ن ت ث خ ه	م ش ت ث د

ظاهراً حرف ق چنین است ی / ص ق ر / ا و حرف ی چنین ا / ط ی ك / ق

(سطر یازدهم در بیان حروف قوا)

۱ـ پس از آنکه حروف دوریه را فهمیدی و رسم کردی آنگاه اصل حرف حاصل از اعداد نسبیهٔ که سطر دهم است ملاحظه کند در ابجد وضعی چه عدد دارد آن عدد را ضبط بدارد و حروف مقابل آنرا از سطر اساس نگاه کند و آن حرف مقابل از سطر اساس را در دایره ابجد پیدا کند و از همان حرف بدون عدد نفس الحرف

بآن عدد وضع مضبوط که عدد حرف حاصل از اعداد نسبیهٔ است بدایرهٔ ابجد شماره بر توالی نماید اگر منتهی الیه در دایرهٔ ابجد حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فیها همان حرف را بنویسد قوای حرف حاصل از اعداد نسبیهٔ است و مراد بهمان است و اگر منتهی الیه عدد وضعی در دایرهٔ ابجد حرف خارج از حروف دوریه باشد مقصود نیست باید طرح کرد ——

۲ـ این دفعه بهمان عدد وضعی مضبوط از حروف نظیرهٔ متقابل حرف اساس را در دایرهٔ ابجد بدون عدد الحرف از آنجا نیز بر توالی شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه آنحرف است فیها و اگر حرفی خارج باشد باز باید طرح کرد ——

۳ـ این دفعه حرف اساس متقابل را باز در ابجد پیدا کند بدون عدد نفس الحروف بر خلاف توالی بهمان عدد وضع در دایرهٔ ابجد شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فیها و الّا طرح کند ۴ـ این دفعه باز حرف نظیره را در دایره ابجد پیدا کند و برخلاف توالی بدون عدد نفس الحرف بهمان عدد وضع مضبوط شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فیها و اگر خارج است باز طرح کند ——

۵ـ این دفعه یکحرف را کم کند باین معنی که بدون عدد نفس الحرف بدون عدد ثانی نفس الحرف از حرف سیم حرف اساس بحسب ابجد در دایرهٔ ابجد بر توالی بهمان عدد وضع شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و الّا باز طرح کند ــــ

۶ـ این دفعه از خود نفس الحرف اساس در دایرهٔ ابجد شماره نماید بر توالی بهمان عدد وضعی که در معنی این دفعه حرفی در عدد زیاد کرده باشد اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعهٔ دوریه است فبها و الّا باز طرح کند ــــ

۷ـ این دفعه حرف نظیرهٔ اساس را در ابجد پیدا کند و حرفی نیز کم کند و بدون عدد نفس الحرف و بدون عدد نفس الحرف ثانی از حرف سیم با خود حروف نظیره بر توالی شماره کند اگر منتهی الیه بحرفی از حروف اربعهٔ دوریه رسید فبها و الّا باز طرح کند

۸ـ این دفعه از خود حرف نظیرهٔ در دایرهٔ ابجد بتوالی شماره نماید که حرفی زیاد کرده باشد اگر رسید فبها و الّا باز طرح کند

۹ـ این دفعه باز حرف اساس را در دایرهٔ ابجدی پیدا کند

و یکحرف برخلاف توالی کم کند و از حرف سیم اساس برخلاف توالی شماره نماید اگر رسید فبها و الّا طرح کند ــــ

۱۰ـ این دفعه از خود نفس الحرف اساس که یکحرف زیاد شده باشد برخلاف توالی شماره کند اگر رسید فبها و الّا باز طرح کند

۱۱ـ این دفعه باز حرف نظیرهٔ اساس را در ابجد پیدا کند و از آن برخلاف توالی حروف کم کند بهمان معنی از سیم حرف نظیره بحسب ابجد در دایرهٔ ابجد شماره نماید اگر رسید فبها و اگر نرسید باز طرح کند

۱۲ـ این دفعه از خود نفس الحرف نظیره که حرفی زیاد شده باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریهٔ است فبها و الّا باز طرح کند آنگاه بطرح ستهٔ مشهوره عمل نماید ــــ

اوّل ــ طرح عنصری چهار چهار

دوّم ــ طرح کوکبی ـ هفت هفت

سوّم ــ طرح افلاکی ـ نه نه است

چهارم ــ طرح بروجی ـ دوازده است

پنجم ــ طرح منازل ـ بینه هشت است

ششم ــ طرح درجی است

اوّل بطرح عنصری عمل کند از حرف اساس یا بر توالی یا بر

خلاف توالی بدون عدد نفس الحرف اگر منتهی الیه بحرفی از حروف چهارگانه دوره رسید فبها والا از حرف نظیره عمل نماید اگر رسید فبها و اگر نرسید باز طرح کند بطرح جزئی شش شش از حرف اساس یا حرف نظیره یا بر توالی یا بر خلاف توالی اگر باز نرسید هفت هفت که طرح کوکبی است عمل کند اگر باز نرسید نه نه که طرح افلاکی است و دوازده دوازده که طرح بروجی است و بیست هشت بیست هشت که طرح منازلی است و سی سی که طرح درجی است عمل نماید

و ما بجهت تسهیل پیدا کردن حرف قوا جدولی ترتیب داده ایم و تمام حروف را بجهت هر سؤالی که باشد از این جدول میتوان قوای آنرا پیدا کرد و قاعده چنانست که ابجد حاشیه جدول مثال حروف حاصله از اعداد نسبیهٔ هر سؤالی است و ابجد در سطر بالا مثال سطر اساس و نظیرهٔ آنست و حرف حاصل از اعداد نسبیهٔ سؤال خود را در حاشیهٔ جدول پیدا کند و حرف اساس و نظیره مقابل حرف حاصل سؤال خود را نیز در جدول در فوق پیدا کند عمودی از حرف اساس و نظیره پائین بیاید و افقی از حرف حاصل پیش رود حرف قوا را بگیرد =

جدول حرف قوا
در صفحه بعد میباشد

حروف قوا از این جدول استخراج شود

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ا	ب	ب	ب	ق	ق	ن	ق	ی	ی	ی	ی	غ	غ	غ
ب	ج	ج	ا	ر	ج	ج	ز	ز	ک	ک	ا	ا	ا	ا
ج	د	د	ش	ش	ب	د	د	ر	ر	ش	ش	ب	ب	ب
د	ه	ه	م	ت	ت	ج	ج	م	م	م	ت	ت	ج	ج
ه	و	و	ث	ث	ن	ن	د	ن	ن	ن	و	د	د	ث
و	ز	خ	خ	خ	خ	س	س	ر	س	س	ه	ه	ه	ه
ز	ح	ح	ذ	ذ	ذ	ع	ز	ع	ع	ع	غ	و	و	و
ح	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض	ف	ف	ف	ف	ز	ز	ز
ط	ی	ی	ح	ظ	ی	ی	ظ	ظ	ص	ص	ح	ح	ح	ح
ی	ک	ک	ط	ا	ا	ا	ک	ق	ق	ق	ا	ط	ط	ط
ک	ل	ل	ر	ب	ب	ب	ی	ر	ر	ر	ب	ی	ی	ی
ل	م	م	ش	ج	ج	ج	ک	س	ش	ش	م	ک	ک	ک
م	ن	ن	د	د	د	د	ت	ت	ت	ت	ل	ک	ل	ک
ن	س	س	م	ه	ه	ه	م	ث	ث	ث	ه	م	م	م
س	ع	ع	ع	و	و	و	و	خ	خ	خ	خ	ن	ن	ن
ع	ف	ف	س	ز	ز	ز	ز	ذ	ذ	ذ	س	س	س	س
ف	ص	ص	ج	غ	ج	ح	ص	ض	ض	ض	غ	غ	غ	غ
ص	ق	ق	ظ	ط	ط	ط	ف	ظ	ظ	ظ	ف	ف	ف	ف
ق	ر	ر	ر	ی	ی	ا	ا	ص	ص	ا	ر	ر	ص	ص
ر	ش	ش	ک	ک	ک	ک	ب	ب	ب	ب	ق	ق	ق	ق
ش	ت	ت	ر	ل	ل	ل	ل	ل	ج	ج	ج	ر	ر	ر
ت	ث	ث	ث	م	م	م	م	م	د	د	د	د	ش	ش
ث	خ	خ	ت	ن	ن	ن	خ	ن	ن	ه	ه	ت	ت	ه
خ	ذ	ذ	ق	س	س	س	ذ	ذ	د	د	و	ث	ث	ث
ذ	ض	ض	ز	ز	غ	غ	غ	ض	ض	ز	ز	ض	غ	غ
ض	ظ	ظ	ظ	ی	ف	خ	خ	د	د	خ	ظ	د	ن	د
ظ	ع	ع	ص	ص	ص	ص	ط	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض
غ	ا	ا	ظ	ق	ق	ق	ی	ظ	ی	ی	ی	ظ	ظ	ظ

در بیان حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد و در آن دو مقصد است — مقصد اول — در بیان حاصل اول قبل از سؤال و در آن دو مقدمه است — مقدمه اول —

آنست که باید در اول حین سؤال اسم روز یا شب وقت سؤال خود را با عدد ایام گذشته از ماه خود و اسم ماه و سال و آنچه از زمان هجرت تا آن وقت رفته است همه را بحروف مقطعه بنویسد و عدد کبیر ابجدی را زیر حروف نویسد آنگاه تمام آن اعداد را بطریق خانه‌های چهارگانه آحاد و عشرات و مآت و الوف جمع سازد و آن چهارخانه را مستنطق سازد —

باین معنی که حروف هر عددی را از ابجد کبیر بطریقی که در گرفتن مدخل گذشت زیر آن اعداد نویسد آنگاه عدد آن حروف را بآحاد از روی حساب جمل صغیر با مرتبه حرفی با آن عدد در جمل کبیر پیدا میشود آنحرف را بگیرد و بنویسد و هرگاه بآن مرتبه عدد در جمل کبیر یافت نشود از روی وضعی عمل کند و حرفی بگیرد و بنویسد این یک حرف حاصل از تمام تاریخ مقطعه حین سؤال است این حرف را یاد داشت نماید بعد از آن ساعت وقت سؤال که مثلاً چند ساعت از روز یا از شب

گذشته بحروف بنویسد بعد طالع وقت را ببیند چه برجی از مشرق طالع است اسم آن برج را عدد بگیرد و جمع اعداد را حروف کند بطریقیکه در تاریخ گذشت —

بعد قرآن مجید را بگیرد با وضو پنج صلوات بفرستد و اگر فاتحه بخواند بهتر است و چهار مرتبه قران را باز کند از صفحه دست راست حرف اول صفحه را بنویسد و اگر قران نباشد از تسبیح چهار مرتبه بگیرد با ابجد وضعی بر ده حروف نماید بعد این چهار حرف را حاصلرا بحسب اسقاط مراتب بآحاد حساب نماید بعد و یک حرف نماید این حرف، حرف حاصل و در گوشهٔ ضبط بدارد مثلاً ـ سال هزار و دویست و هشتاد و دو شب پنجشنبه سوم ماه شعبان ـ جمع تمام حروف ۲۲۹۴ حرف (ف) ساعت ۵ حرفش هـ طالع وقت سنبله جمع آن ۱۴۷ حرفش ل حروف قرآنیه دج دج عدد حروف قرآنیه ۱۴ حرفش (ن) صفحهٔ حروف را بعد مرقوم سازد (ف هـ ل ن) جمع آحاد آن ۱۲ حرف حاصل از این چهار حرف که حاصل اول است ب میباشد — مقصد دوم در بیان سطر دوازدهم که سطر حاصل صفحهٔ اصل سؤال است پس از آنکه سطر یازدهم را نوشت حرف اول سطر فوق که سطر یازدهم باشد و حرف اول

سطر اساس و حرف اوّل سطر نظیره با حرف حاصل از تاریخ وساعت و طالع وحروف قرآنیه که همان حرف (ش) باشد که در بالای صفحه تعیین شد عدد این چهار حرف را از روی جُمل صغیر با اسقاط مراتب جمع نموده و بدایرهٔ ابجد وضعی برده بهر حرفی که رسید آنحرف را در اوّل سطر دوازدهم نولیسد باز حرف دوم سطر قوا را با حرف دوّم سطر اساس و نظیره و همان حرف حاصل حساب نماید بطریق مذکور ما با بجد وضعی برده بهر حرفی که برسد همانرا درخانهٔ دوّم سطر دوازدهم نولیسد وهمچنین عمل نماید تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در اینجا مینولیسیم

۱۰	سطر دهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ط	ر
۱۱	سطر قوا	ه	ک	ظ	د	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و
۱۲	سطر حاصل	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر

مثلاً حرف اول اساس (ع) بود عددش ۷ حرف اوّل نظیره ب بود عددش ۲ حرف اوّل قوا ه بود عددش ۵ حرف حاصل ش عددش ۳ مجموع اعداد هفده شد با بجد وضعی بحرف (ف) رسید

در اول سطر حاصل نوشتیم حرف دوّم سطر اساس (ی) عددش یک حرف دوّم سطر نظیره (غ) عددش ۴ حرف دوّم سطر اساس قوا (ک) عددش ۲ حرف حاصل ش عددش ۳ مجموع ۱۲ شد با بجد وضعی ۱۲ ل است در خانهٔ دوّم سطر حاصل که سطر ۱۲ باشد نوشتیم و مابقی خانه‌ها بدین قیاس است و این سطر سطر حاصل اصل و مُهیای جوابست ——

در بیان سطر سیزدهم که سطر مستحصله است و آن چنانست که حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد باید در دور کبیره داد ومراد بدور کبیره آنست که حروف اربعهٔ دوریه که گذشت باضافهٔ حرف نظیره حرف حاصل از دایرهٔ ابجد وا بتث وا هطم وا یقغ باید در دور داد و بجهت واضح شدن مطلب ما حروف ۲۸ گانه را دور کبیره میدهیم

حروف هوائی	حروف ناری
ب و ی ن ص ت ض	ا ه ط م ف ش ذ
حروف ترابی	حروف مائی
د ح ل ع ر خ غ	ج ز ک س ق ث ظ

حروف ۲۸ گانه را دور میدهیم

ض ق ج غ ا ب ن ی س	ط د ر ا ب ع خ ک ع	غ ش ا ب ج د ذ ل ف	ک ت ب ج د ه ض م ص	س ث ز و ه د ظ ن ق	س خ ح ه و ز ق س ر	ن ذ ه و ز ح ک ع ش
ف ض و ز ح ط ل ف ت	ب ظ ک ح ط ی م ص ث	ص ق ل ط ی ک ث ا خ	و ر ط ی ک ل ز ب ذ	ذ ش ی ک ل م ح ج ض	ر ت س ل م ن ط د ظ	ز ث ع م ن س ا ه غ
و غ م ن س خ غ د ا	ث ذ ن س خ ف ر ز ب	ح ض ق ع ف ص ش ح ج	ی ظ ر ف ص ق ت ط د	خ غ ف ص ق ر د ی ه	ا ک ص ق ر ش ع ب د	ه ل ث ر ش ت ف ج ز
ظ م خ ش ت ث ص د ح	ع ن ش ت ث خ ی ه ط	ق س ث ث خ ذ ب ذ ی	ل ع ظ خ ذ ض ج ز ک	ا ف غ ذ ض ظ د ح ل	ت ص ذ ض ظ غ ذ ط م	ج ق ض ظ غ ا س ی ن

حروف حاصل را باین دستور دور داده آنگاه حرف حاصل را بحرفی از حروف سطر اساس و نظیره نسبت داده بشرط آنکه هم طبعی از برای آن حرف منسوب الیه حرفی در چهار حرف صفحه بوده باشد و دایرهٔ طبایع این است که هم طبع بودن از این معلوم میشود

آنگاه ملاحظه نمائید که حرف حاصل از منسوب الیه اساس یا نظیره بحسب جدول چه بُعد دارد و بحسب ابجدی بُعد آن چه قدر است بُعد ابجدی از هفت زیاده نباشد و بُعد جدولی هر قدر باشد این دو بُعد را باهم جمع نمائید و در دایره النسخ که دایره ایست معروف و بیانش میشود از حرف حاصل بشمار در حرف منتهی الیه را ضبط داشته باشد که باید از قوای آن باشد و امتحان بر آن جاری شود ——

و امتحان آن اینست که بُعد حرف صفحه هم طبع منسوب الیه را در حروف حاصل و منسوب الیه ملاحظه کند و آن بُعد را بر دو بعد بیفزاید یا کم کند در النسخ بشمارد و اگر بهمان حرف برسد بردارد و الا عمل را استیناف نماید و صورت وضوح این عمل آنست که حرف حاصل را برداشته حرف مطلوب آن را در اساس یا نظیره پیدا کند که آن مطلوب حرف منسوب الیه است بشرط آنکه هم طبع از برای آن در صفحه باشد و اگر حرف مطلوب در اساس و نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا بشود اما در حروف صفحه هم طبع نداشته باشد مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد

اگر حرف مطلوب مطلوب در سطر اساس یا نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا بشود اما هم طبع در صفحه نداشته باشد مطلوب مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحهٔ

داشته باشد — اگر پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد در صفحه قرین حرف حاصل را در اساس و نظیره با شرط هم طبع داشتن در صفحه پیدا کند اگر پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب را در اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد ———

و اگر در اساس و نظیره پیدا نشود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب مطلوب را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد و اگر این حرف نیز در سطر اساس و نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا شود و هم طبع نداشته باشد طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد ——

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد طالب طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد ——— اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه طالب طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد اگر پیدا نشود یا آنکه پیدا شود و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین حرف حاصل را از جنب راست که مقدم است در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد —— اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد قرین طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع داشته باشد و اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد

قرین طالب طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد

اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه طالب طالب طالب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد اگر پیدا نشود یا آنکه پیدا شود و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین حرف حاصل را از جنب راست که مقدم است در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد قرین طالب طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد — اگر پیدا نشود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین طالب طالب طالب را در سطر اساس و نظیره پیدا کند اگر پیدا نشد بطریقیکه ذکر شد بنظائر اینها عمل کند و اگر نشود عمل بنفس حرف نماید

بدانکه بعد مطلوب از حرف دو است و مطلوب مطلوب چهار و مطلوب مطلوب مطلوب شش است و قرین خود حرف یک و قرین مطلوب سه و قرین مطلوب مطلوب پنج و قرین مطلوب مطلوب مطلوب هفت بعد دارد و هکذا برخلاف توالی در ابجد

طالب نیز از حرف دو بُعد دارد و طالب طالب چهار بُعد و طالب طالب طالب شش بُعد دارد و قرین خود حرف یک و قرین طالبش و قرین طالب طالب یخ و قرین طالب طالب طالب هفت بُعد دارد ـــ اینست اشاره که بُعد ابجدی از هفت نباید تجاوز بکند مطلوب بر توالی و طالب برخلاف توالی هر حرفی از حروف ابجدیه حرف بعد او قرین اوست و حرف بعد قرین او مطلوب اوست و هکذا بر توالی الی آخر مطلوب و قرین مطلوب اوست تا هفت حرف و کذلک برخلاف توالی حرف متصل بحرف قرین اوست و حرف متصل بقرین او طالب اوست برخلاف توالی الی هفت حرف که قرین و طالب او نیز و از دایرهٔ اجهزیه معلوم است کل حرف و مطلوب او و مطلوب مطلوب او و طالب و قرین هریک از آن و طالب او و طالب طالب او و قرین هر یک از اینها طالب و مطلوب و قرین است که از دایرهٔ جلیله اجهزیه معلوم میشود: دو سطر بالا قرینهٔ دو سطر پائین.

ا ج ه ز ط ك م	س ف ق ش ث ذ ظ
ب د ح ی ل ن	ع ص ر ت خ ض غ

و دو سطر پائین قرین دو سطر بالا است و هر سطر دو حرف پهلوی

هم طالب و مطلوب همدیگرند. و آخر دو سطر با اول دو سطر طالب و مطلوبند ـــ مثلاً حرف ز مطلوبش حرف ط است و مطلوب مطلوبش ك و مطلوب مطلوب مطلوبش م است و طالبش هـ و طالب طالبش ج و طالب طالب طالبش الف است قرین مطلوبش ی و قرین مطلوب مطلوبش ل و قرین مطلوب مطلوب مطلوبش ن است قرین طالبش و ـ و قرین طالب طالبش د و قرین طالب طالب طالبش ب است و قرین خودش ح است ـــ

محض واضح شدن مثال و فهم مبتدی طالب و مطلوب حروف و قرین آنها ذکر شد و معلوم میشود که این طور عمل میکنیم می بینیم در ابجد هر حرفی تا هفت حرف جلو و هفت حرف عقب خود طالب و مطلوب و قرین طالب و قرین مطلوب دارد علت اینکه بعد ابجدی از هفت زیاده نباشد که در اول ذکر شد. این است ـــ

پس از آنکه طالب و مطلوب را فهمیدی قاعدهٔ عمل نمودن چنانست که حرف مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کن که حرف حاصل بآن نسبت داده شود بشرط آنکه هم طبع از برای آن در حروف اربعه صغیره بوده باشد و حروف اربعه صغیره چهار حرفی است که از تاریخ و ساعت و طالع وقت و تفأل از کلام الله بدست آمده آنگاه بُعد جدولی حرف منسوب الیه را تا حرف محاذی حرف حاصل و بُعد ابجدی حرف منسوب الیه را تا حرف حاصل ملاحظه کند این دو بعد را جمع کند

و در دایرهٔ انسخ منقسم بر کواکب سبعهٔ سیّاره از حرف حاصل
شماره کند بر توالی یا بخلاف توالی منتهی الیه را اگر از حروف دور
کبیر حرف حاصل است قوای آن خواهد بود آنحرف را نشان
کند و امتحان بر آن جاری کند ——
و طریقهٔ امتحان آنست که بُعد حرف حاصل از حرف صفحه هم طبع
حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره را ملحوظ بدارد دو برود و بُعدی
که از حرف منسوب الیه حرف حاصل بحسب جدول را بجد حاصل شده
بیفزاید و شماره در دایره انسخ نماید بر توالی یا بخلاف توالی اگر حرف
منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بر دارد که همان مُستحصل است
والّا بُعد حرف صفحه را از بُعدین مُلاحظه کند و اقل را از اکثر طرح
کند و شماره نماید در دایرهٔ انسخ بر توالی یا بخلاف توالی —— ه
اگر منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد همان مُستحصل است
والّا بُعد حرف صفحه را با حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره بحسب ابجد
ملاحظه کند و بر بُعدین بیفزاید بحسب سیر در دایرهٔ انسخ بر توالی یا
خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرف نشان کردهٔ اوّل است بردارد
والّا این یک بُعد را با آن دو بُعد ملاحظه کند اقل را از اکثر طرح کند
و تتمهٔ آنرا بر دایرهٔ انسخ شماره نماید اگر بهمان حرف رسید فبها و الّا

استیناف عمل نماید و مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس
با نظیره پیدا کند بشرط هم طبع بودن با یکی از حروف صفحه پس بُعد جدولی
و ابجدی آن حرف را جمع کند بدستور مزبور در دایرهٔ انسخ از حرف حاصل
بر توالی یا خلاف آن شمارهٔ نماید حرف منتهی الیه اگر از حروف دور بیّنه
دور کبیر حرف حاصل باشد نشان کند و امتحان را بر آن جاری نماید
بدستوری که ذکر شد بعد حرف صفحه را از حرف حاصل مُلاحظه کرده
برود بُعد بیفزاید اگر بهمان حرف در انسخ نرسد بُعد حرف صفحه را
از حرف منسوب الیه بگیرد و بیفزاید اگر برسد فبها و اگر نرسد از دو
بُعد کم کند اگر نرسد طرح کند و تجدید عمل از مطلوب مطلوب
نماید بدستوری که مرقوم شد عمل کند اگر نشود بقرین هر یک از اینها بهمین
دستور عمل کند اگر نشود تجدید عمل از طالب و طالب طالب و طالب طالب
طالب و قرین هر یک از اینها یک یک علیحده بقاعدهٔ که مرسوم گشت عمل
کند اگر نشود بنظایر اینها هر یک علیحده هفت توالی دست چپ و هفت
خلاف توالی دست راست عمل نماید اگر نشود عمل بنفس حرف بکنند
و ضابطهٔ این عمل آنست که باید حرف منتهی الیه از حروف دور از
حروف دور حرف حاصل که قوای آنست باشد و امتحان مذکور بر آن
جاری میشود و بعضی عمل بر اساس دور نظیره را اقوی دانسته اند
و دایرهٔ انسخ مُنقسم بر کواکب سیّارهٔ این است صفحهٔ مقابل

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت

و بایشود از حروف دو بُعد نداشته باشند یک بُعد از برای آن باشد مثل آنکه مطلوب یا طالب یا قرین هر یک محاذی حرف حاصل در اساس یا نظیره اتفاق افتد که بُعد جد ولی را فاقد باشد عمل بر همان بُعد و احد که عمل بُعدین خواهد بود یا عمل بنفس حرف در وقت لزوم شود بُعد واحد هیچ امتحان بر آن جاری نمیگردد و عمل بر آن میشود بدقت ملاحظه کرده که غلط و سهو در عمل نشود — امّا دایرهٔ اهطمی که هر هفت حرف آن منسوب بیکی از عناصر اربعه است با تعیین عناصر این است که در این جدول نوشته شد

حروف ناری	حروف هوائی	حروف آبی	حروف خاکی
ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

سطر چهاردهم — پس از آنکه سطر مستحصل را بدقت تهیدی و مرسوم نمودی آن سطر را نظیرهٔ ابجدی بگیر و سطر چهاردهم را بنویس پس از آن سطر چهاردهم را تکسیر صدر و مؤخر کن سطر پانزدهم را بنویس آنوقت جواب کافی

و شافی بیرون آمده است — و طریقهٔ صدر و مؤخر کردن آنست که یک حرف از آخر سطر چهاردهم در اول سطر پانزدهم بنویس و یک حرف از اول سطر چهاردهم در دوّم سطر پانزدهم بنویس همینطور یک حرف از آخر و یک حرف از اوّل تا سطر تمام شود حروفات سطر پانزدهم را ترکیب کن جواب کافی و شافی بیرون میآید

و بدانکه عمل بقوای قوا در صورت رسیدن به بعضی مراتب درک بجواب آن میشود که بسیاری از اعلام این فن بجهت تعجیل در استخراج با آن عمل لعدادراک آن کرده‌اند تسلّط لازم دارد و اصلح در عمل آنست بهیچوجه قوی یا قوای قوا ملاحظه نشود و عمل بهمان بشود و امتحان شود و ما سؤال را از اوّل الی آخر در زیر صفحه و صفحهٔ مقابل مینویسیم

بسال هزار و دویست و هشتاد و دو — شب پنجشنبه سیم ماه شعبان

عدد تمام حروف ۲۲۹۴ حرفش ف ساعت ۵ حرفش ه طالع سنبله ۱۴۷ حرفش ل

حروف تراشید دج دج عددش ۱۳ حرفش ن صفحهٔ حروف اربعه ف ه ل ن عددش ۲۱ حرف حاصل ش

سؤال امام زمان کیست مدخل کبیر ۶۷۰ ع خ مدخل وسیط مجموعی ۴۰ م

مدخل وسیط کبیر ۶۷ ز س مدخل صغیر ۴ د

حروف مستنطقه ع غ م ز س د بسط ملفوظی ع ی ن غ ا م ی م ز ا س ی ن دال

اساس	ع	ن	نغ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل	
نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	ح	غ	ص	س	ض
حاصل نسبت اساس	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
حاصل نسبت نظیره	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۱۲	۱۰
تتمهٔ اولی	۴	۱	۲۹	۲۲	۲	۲	۲	۲۵	۴	۱۲	۱۲	۱	۱۱	۲	۹	۱۷
حاصل اساس و نظیره	۱۴	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۹	۶	۶	۵	۲۹	۶	۲۴
حاصل دوم (ساس و نظیره)	۶	۵	۶	۶	۲۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴	۱۴
تتمهٔ ثانی	۸	۱	۱	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰
تتمهٔ تتمتین	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۳۰	۲۸	۹	۷
حاصل اعداد	د	ب	ع	خ	غ	غ	غ	ی	ک	ع	خ	ب	ر	غ	ط	ر
سطر عدد ۱	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	د	ن	ی	و
سطر حاصل	ف	ل	ض	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر
مستحصله	ت	ص	ق	خ	س	ص	ظ	ظ	س	س	ر	ع	ص	ظ	ظ	ظ
نظیره	ح	د	ه	ی	ا	د	م	م	ا	ا	ش	ب	د	م	م	م
صدر مؤخر	م	ح	م	د	م	ه	د	ی	ب	ا	ش	د	ا	م	ا	م

جواب که در سطر پانزدهم بحروف مقطعه حاصل شده بود ترکیب کردیم
این شد - محمّد مهدی باشد امام

خاتمه) در ذکر بعضی از دوائر که در این علم مورد لزوم است

دایرهٔ اویلمنح — نار ماء تراب باد

أ	هِ	جُ	ب
وَ	زِ	ز	د
ی	ش	ک	خ
ل	ث	س	ظ
م	ذ	ف	غ
ن	ص	ت	ض
ع	ط	ح	ق

دایرهٔ احست

ا	ح	س	ت
ب	ط	ع	ث
ج	ی	ف	خ
د	ک	ص	ذ
ه	ل	ق	ض
و	م	ر	ظ
ز	ن	ش	غ

دایرهٔ ابهث عرضاً

ا	ب	ه	ش
ح	د	ل	ج
ق	و	ط	ص
س	ن	ظ	ف
غ	ظ	ز	ن
ک	غ	ر	خ
ی	ذ	ض	م

دایرهٔ افسج طولاً

ا	ف	س	ج
ع	ی	ل	م
ه	ص	ر	ز
ط	غ	ث	ب
ح	ظ	ن	خ
ق	ک	و	ت
ش	ض	د	ذ

دایره دوائر مختلفه

دایرهٔ اکدخ عرضاً ایقغ طولاً

ا	ک	د	خ
ی	ر	م	ز
ق	ج	ت	ذ
غ	ل	ه	ح
ف	ش	ص	ط
س	ن	ث	ض
ب	ع	و	ظ

دایرهٔ ایقغ بوضع غیر مشهور عرضاً ابجد

ا	ی	ق	غ
ب	ه	ک	ن
ر	ت	د	م
ج	ل	ش	و
س	ح	ف	ت
خ	ز	ع	ذ
ض	ط	ص	ظ

دایرهٔ ادکغ عرضاً

ا	و	ک	غ
ه	ی	ض	ر
ط	ن	ق	خ
م	ض	ث	ش
ف	ت	ع	د
س	ظ	ج	ح
ذ	ب	ز	ل

دایرهٔ امرص عرضاً

ا	م	ر	ص
ک	ج	ظ	ف
ن	ش	ط	س
ب	غ	ی	ع
ث	ج	ف	د
ض	ن	ه	ذ
ز	ت	خ	ق

دایرهٔ احقس عرضاً اجذغ طولاً

ا	ج	ق	س
ع	ک	ی	ب
ذ	و	ن	ض
خ	د	ه	ل
ط	ظ	ز	ر
ص	ش	ج	ض
ق	ت	خ	م

دایره اطفذ

ا	ط	ف	د
و	ن	ث	ج
ک	ق	ظ	ح
غ	خ	ه	م
ش	ب	ی	ص
ض	ر	س	ت
د	ل	ر	غ

ناریه ابتث ترابیه هوائیه مائیه
حروف حروف حروف حروف
تاج حربه عمود کرسی

نار تراب هواء ماء
حار بارد حار بارد
یابس یابس رطب رطب

ا	س	ب	ع
ج	ف	د	ص
ه	ق	و	ر
ز	ش	ح	ت
ط	ث	ی	خ
ک	ذ	ل	ض
م	ظ	ن	غ

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	خ
ذ	ض	ظ	غ

قاعدهٔ جفریه

باید حروف را چهار مرتبه بقاعدهٔ ترفّع و ترقّی و تنزّل و مساوات جدا نموده و بلا مرتبه کرده یعنی حرف را تمام آحاد حساب کند و اگر از حروف ترقّی و ترفّع است آن را زیاد کند که بهم در جهٔ خود رسد و اگر از حروف تنزّل است از آن کم کند و اگر از حروف مُساواةَ است و نه است یک بر آن افزاید و نصف او را گرفته بیخ بنویسد ناطق میشود و بعضی گفته اند که هرگاه الف در اوّل باشد الف نوشته میشود اگر در مرتبهٔ دوّم است (ب) نوشته میشود در سوم جیم و هکذا سایر حروف از استقراء ترقّی مینماید تا بمطلوبش برسد ——

باید سؤال را مجرّد سازی و سد اخل ثلاثه او را گرفته د اخل زمام نمائی و بسط عددی کرده باز مد اخل ثلاثه گرفته خلاصه نموده تکسیر کنی و از سطور تکسیر سطور خانهٔ مطلوب بگیری و حروف مکتوبی و ملفوظی و مسروری جدا سازی پس مزاج دهی و غربزه نموده اگر مدّعی یافتی و الّا تکسیر نموده جواب در یابی ——

جهت احضار شخص و خلاصی زندانی خوانده شود بدین طریق) خواجه خضر صاحب سلطان پر مشکل آسان پر دل که صفا کرد دشمن کور بحق لا اله الاّ الله - اوّل چوبی را نصب زمین کرده بطوری که حرکت نکند و سه صد میخ آهنی آورده (سَنْتَرِ) یعنی همان کلمات خواجه خضر را بهریک از آن میخها سه مرتبه خوانده بر سر همان چوب بکوبد آن وقت آن چوب را در آورده و در محلّ خواب دفن کند - اسم... مطلب بر آورده است منقول است عمل مرحوم آقای سیّد احمد آقا قاضی طباطبائی است رحمة الله علیه

(ختم یا علی) برای مطلب عسر الحصول دوازده هزار مرتبه کفش یا علی

(دفع دشمن) از حضرت ثامن الائمّه علیه السلام سه شب هر شب هزار مرتبه (القادر) بگوید دشمن هلاک شود یا آواره گردد

بجهت هلاک دشمن دوازده روز هر روز دوازده مرتبه سورهٔ الحاقّه بخواند و چون به آیهٔ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ رسید ۷۰ مرتبه تکرار کند

(برای هلاک دشمن) در یک مجلس هفتاد بار بخواند مجرّب است
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ - اَللّهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ وَقَرِّبْ آجَالَهُمْ وَاقْطَعْ اَعْمَارَهُمْ

وَاشغلهم بابدانهم وخذهم اخذ عزیزٍ مقتدرٍ یا قهّار یا قهّار یا قهّار یا جبّار یا جبّار یا جبّار) در خواب دیدن مراد در روایت شده از علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود هرکس اراده نماید مراد خود را در خواب ببیند شش رکعت نماز بخواند قبل از خواب در رکعت اوّل فاتحه والشمس وضحیها ۷ مرتبه در رکعت دوّم بعد از فاتحه واللیل اذا یغشی ۷ مرتبه ودر رکعت سوم بعد از فاتحه ۷ مرتبه والضحی ودر رکعت چهارم بعد از فاتحه ۷ مرتبه سوره الم نشرح ودر رکعت پنجم بعد از فاتحه ۷ مرتبه والتین ودر رکعت ششم بعد از فاتحه ۷ مرتبه انّا انزلناه فی لیلة القدر وبعد از فراغ حمد وثناء خداوند تبارک وتعالی بجا آورد وبخواند اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ اللّهمّ ربّ محمّدٍ وربّ ابراهیم وموسی وعیسی واسحق ویعقوب وربّ جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ومنزل التوریة والانجیل والزّبور والفرقان العظیم ارنی فی منامی اللّیلة ما انت اعلم به منّی اگر در شب اوّل دید فبها اگر ندید تکرار کند تا سه شب انشاءالله خواهد دید (در تسخیر ارواح) هفت روز روزه بگیرد وآخر روز به چهارشنبه بیفتد وهر روز غسل نماید ولباس پاکیزه در بر نماید ودر خلوه دور خود را خط بکشد واین ذکر را هزار وپنجاه یکمرتبه بخواند وشرط جو دعشر بجور نماید در روز آخر هفت نفر ارواح حاضر نماید ونترسد وشرط مهم از معاصی اجتناب ورزد تا از باطن قوی تر شود والبته ذکر) یا زاکی الطّاهر من کلّ آفةٍ بقدسه) حرّره محمّد عطائی

(هذا النسخة صغر نسرت آدم صفی الله)

الحمد لله ربّ العالمین والصّلوة والسّلم علی خیر خلقه محمّد وآله الطّاهرین امّا بعد هذا الکتاب سرّ الله الأعظم وهو سرّ الرّبانی الّذی فی عالم الجسمانی علّم الله تعالی خلیفته آدم علیه السّلام اعلم یا بنی آدم انّ الله خلق الأشیاء وخلق اسرارها وتصرّف فیها ثمّ قال عزّ وجلّ المخلوقات تحت خواصّ حفظ هذه الأسماء وذلک انّ جمیع ما فی السّموات وما فی الأرض وما بینهما داخل فیها لا یقدر شیئاً یخرج عن هذه فلمّا کانت ارادة الله تعالی فی ذلک جعل لها خواصّاً واسراراً وطبایع اودعها اسرارها فیها کذلک سایر الموجودات ثمّ بیّن ذلک جمیعاً لآدم علیه السّلام واراد ان یثبت لآدم ع حجّة علی الملآئکة ویعلمهم بان آدم علیه السلام احقّ بالخلافة منهم فقد ظهر کرامته ممّا قد کرّمه منهم (فقال) یا آدم ع انبئهم باسمائهم فلمّا انبئهم باسمائهم (قال) الم اقل لکم انّی اعلم غیب السّموات والأرض واعلم ما تبدون وما تکتمون فدلّ هذه الآیة علی انّ الله عزّ وجلّ علّمه اسرار الحروف وطبایعها وما یتصرّف فیها و یثبت العجز عن مسائل الّتی سئل عنهم منها سنة سألتهم عنها وعن علمها لآدم علیه السّلام واعلمهم بفضل آدم ع بالعلم الّذی اودعه فیه